گناه و آثار شوم آن

در زندگى امت از  
قرآن و سنت

**تأليف:**

**عبدالله السدحان**

**ترجمه:**

**اسحاق دبیری**/

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | گناه و آثار شوم آن در زندگی امت از قرآن و سنت | | | |
| **تألیف:** | عبدالله السدحان | | | |
| **ترجمه:** | اسحاق دبیری/ | | | |
| **موضوع:** | اخلاق اسلامی – بدعت، گناه و توبه | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc434870890)

[تقديم شیخ دكتر عبدالله عبدالرحمن بن جبرین 1](#_Toc434870891)

[مقدمه 3](#_Toc434870892)

[پیشگفتار 7](#_Toc434870893)

[ریشه‌ى گناه 7](#_Toc434870894)

[آثار گناه آدم و حوا بر فرزندان‌شان چیست؟ 8](#_Toc434870895)

[اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت. 9](#_Toc434870896)

[فصل اول: اسباب گناه 11](#_Toc434870897)

[فصل دوم: آثار گناه در گذشتگان 13](#_Toc434870898)

[یوسف**÷**: 13](#_Toc434870899)

[یازده برادر یوسف و بنی‌اسرائیل که فرزندان آنها بودند: 13](#_Toc434870900)

[شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش: 17](#_Toc434870901)

[قوم صالح و شعيب وهود و نوح و لوط**†**: 18](#_Toc434870902)

[راز عذاب همیشگی کافران در جهنم: 19](#_Toc434870903)

[فصل سوم: آثار گناه در امت محمد **ص**: 23](#_Toc434870904)

[مردی که به پیامبر **ص** گفت با عدالت رفتار نکردی: 23](#_Toc434870905)

[پنهان شدن لیله‌القدر: 24](#_Toc434870906)

[شتر نفرین شده: 24](#_Toc434870907)

[دعای پیامبر **ص** علیه طائفه مضر: 24](#_Toc434870908)

[محروم بودن از باران: 25](#_Toc434870909)

[مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی‌گیرد: 25](#_Toc434870910)

[گفته پیامبر ص به صحابه: «از اینجا برخیزید»: 26](#_Toc434870911)

[فصل چهارم: کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن نمی‌شود، بسیار شوم و زود رخ خواهد داد 29](#_Toc434870912)

[نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی: 29](#_Toc434870913)

[زنا کردن و مقدمات آن: 30](#_Toc434870914)

[بَلاء موکل به سخن است: 34](#_Toc434870915)

[لعنت و آثار شوم آن: 36](#_Toc434870916)

[وسواس بودن: 37](#_Toc434870917)

[فصل پنجم: آثار گناهان بر انسان 39](#_Toc434870918)

[آثار ترک گناهان در دنیا: 41](#_Toc434870919)

[آثار ترک گناهان به هنگام مرگ: 42](#_Toc434870920)

[آثار ترک گناهان در روز قیامت 42](#_Toc434870921)

[فصل ششم: «توبه و شرایط آن» 43](#_Toc434870922)

[فصل هفتم: پاک‌کننده‌های گناه 49](#_Toc434870923)

[چگونه خود را از فکر گناه محافظت می‌کنید؟ 50](#_Toc434870924)

[فصل هشتم: کیفر و عقاب گناه - گرچه پس از مدتی هم باشد - واقع می‌شود: 55](#_Toc434870925)

[اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است: 56](#_Toc434870926)

[فصل نهم: راه رهائی از گناهان شوم 59](#_Toc434870927)

[فصل دهم: گناهانی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر**ص** در حديث صحيح از آن نهی فرموده است 63](#_Toc434870928)

[خاتمه 73](#_Toc434870929)

[منابع و مآخذ 75](#_Toc434870930)

تقديم شیخ دكتر عبدالله عبدالرحمن بن جبرین

الحمد لله رب العالمين، وصلى ‌الله على محمد وآله وصحبه وسلم

رساله تألیف برادر محترم دکتر عبدالله ‌بن محمد سدحان را مطالعه کردم، و ملاحظه کردم که ایشان روایات و اندرزهای ارزند‌ه‌ای انتخاب نموده‌اند و شاهکار بزرگ کرده‌اند، و به شیوه استادانه و شایسته مقصود را رسانده‌اند. و چون ایشان مشاهده کرده‌اند بسیاری از مسلمانان در منجلاب گناه فرو رفته‌اند، و بر گناهان اصرار می‌ورزند، و به عواقب آن توجه نمی‌کنند اقدام به تألیف این رساله نموده‌اند.

بی‌تردید گناه و عصیان عامل از بین رفتن برکت و نزول عذاب الهی است، و آنچه بر سر پیشینیان آمد مجازات و کیفر زودرسی (بخاطر کفر و شرک و اصرار بر گناه و نافرمانی) بوده است، و کیفر زودرس شدیدتر و به یادماندنی‌تر است، خداوند درباره برخی از مجازات‌ شدگان در دنیا می‌گو‌ید:

﴿وَلَوۡلَآ أَن كَتَبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابُ ٱلنَّارِ٣﴾ [الحشر: 3].

«و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرّر داشته بود آن‌ها را در همین دنیا مجازات می‌کرد، و برای آن‌ها در آخرت نیز عذاب آتش است ».

و همراه با آن چه می‌خوانیم و میشنویم، و با وجود این همه نصیحت‌ها و پندها، بسیاری از کشورها و افراد و گروه‌هائی که به اسلام مباهات می‌کنند را می‌بینیم که بر گناهان کبیره اصرار می‌ورزند، و به گناه کردن افتخار می‌کنند، و یکی از آن عاصیان به گناهش فخر می‌نمود، گویا کار نیک انجام داده، و آرزوی پاداش آن را دارد، و این افتخارکردن فریب و وسوسه شیطان است، پس بر هر مسلمانی واجب است به پروردگار روی آورد و رفتار خویش را اصلاح کند و توبه نماید، و بر گناهان گذشته خویش اندوهگین شود، و پروردگار توبه بندگان را می‌پذیرد و گناهان را مورد عفو قرار می‌دهد.

وصلى ‌الله على سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم

عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

عضو افتاء

مقدمه

سپاس و ستایش از آن خداوند است، و او را می‌ستائیم و از او هدایت و یاری می‌جوئیم. و از شر نفس و بدی کردار به او پناه می‌بریم، خدا هر کسی را هدایت کند گمراه‌کننده‌ای ندارد، و هرکه را گمراه کند هدایت‌کننده‌ای ندارد، و بر پیامبر ص رحمت و هدایت درود و سلام می‌فرستیم، پیامبری که خداوند او را پس از انقطاع وحی فرستاد تا مردم را به استوارترین آئین هدایت کند، و بواسطه او چشم‌های کور و گوش‌های کر و دل‌های غافل را باز کرد.

چه بسا مردمانی از سنگدلی و از بین رفتن برکت و وسوسه‌های شیطان و مشغول شدن به دنیا به جای دین شکایت می‌کنند.

و از فرموده پروردگار غافل هستند که می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱللَّهَ غَٰفِلًا عَمَّا يَعۡمَلُ ٱلظَّٰلِمُونَۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمۡ لِيَوۡمٖ تَشۡخَصُ فِيهِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ٤٢﴾ [إبراهيم: 42].

«گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام مى‏دهند، غافل است».

میمون ‌بن هارون/ در معنای این آیه می‌گوید: (این آیه تسلی خاطر برای ستمدیده‌ و تهدید برای ستمگر است). ابراهیم ‌بن ادهم/ می‌گوید: (ما نسلی بهشتی بودیم ابلیس با معصیت ما را فریب داد و از آن رانده شدیم، پس شایسته است که انسان گناهکار به زندگی خرسند نشود تا به وطنش «بهشت» بازگردد).

بنابراین همه این بدبختی‌ها جز بهره گناه و شوم بودن آن چیز دیگری نیست، خداوند می‌فرماید:

﴿أَفَنَجۡعَلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ كَٱلۡمُجۡرِمِينَ٣٥ مَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ٣٦﴾ [القلم: 35-36].

«آیا مؤمنانی را (که در برابر حق و عدالت تسلیمند) همچون مشرکان و مجرمان قرار دهیم. شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟».

﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجۡتَرَحُواْ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ أَن نَّجۡعَلَهُمۡ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَوَآءٗ مَّحۡيَاهُمۡ وَمَمَاتُهُمۡۚ سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ٢١﴾ [الجاثية: 21].

«آیا کسانى که مرتکب بدی‌ها و گناهان شدند گمان کردند که ما آن‌ها را همچون کسانى قرار مى‏دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‏اند که حیات و مرگشان (در دنیا و آخرت) یکسان باشد؟! چه بد داورى مى‏کنند».

﴿أَمۡ نَجۡعَلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَٱلۡمُفۡسِدِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ نَجۡعَلُ ٱلۡمُتَّقِينَ كَٱلۡفُجَّارِ٢٨﴾ [ص: 28].

«آیا کسانى را که ایمان آورده و کارهاى شایسته انجام داده‏اند همچون مفسدان در زمین قرار مى‏دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟!».

عامل گناه غفلت و شهوت است چنانچه شیخ الاسلام ابن تیمیه/ می‌گوید: (غفلت و شهوت گناهکار را به گناه تشویق می‌کند و ریشه بدبختی است) خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَا تُطِعۡ مَنۡ أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ عَن ذِكۡرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمۡرُهُۥ فُرُطٗا٢٨﴾ [الكهف: 28].

«و از کسانى که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هواى نفس پیروى کردند، و کارهایشان افراطى است».

و هوس و نادانی با هم علت گناهان است، چون اگر شخص هوس باز بداند که هوی و هوس بسیار آسیب‌رسان است قطعاً از آن دوری می‌کند، به همین خاطر صحابهش می‌گویند: (هر کسی که نافرمانی خداوند می‌کند نادان و جاهل است).

ولیکن این بیچاره به نادانی‌اش معذور نیست، پس گناهکار بایـد در عواقب گنـاه و بـدبختی حاصل از آن در دنیا و آخـرت - پناه به خدا - بیاندیشد، چون گناهکار هنگامی که گناه می‌کند، نافرمانی چه کسی می‌کند؟ نافرمانی مالک هستی می‌کند!

بلال ‌بن سعد/ می‌گوید: (به ناچیزی گناه نگاه مکن، بلکه به عظمت کسی که نافرمانی‌اش می‌کنید نگاه کن).

آنچه مرا به نوشتن این رساله واداشت این است که مشاهده کردم بسیاری از مسلمانان متأسفانه در ارتکاب گناه سهل‌انگاری نموده، و می‌پندارند که توبه محض گناهان را پاک می‌کند.

ابن قیم/ می‌‌گوید: (گناه زخم است، و چه بسا زخم در جای کشنده باشد).

به خدا سوگند توبه تنها کافی نیست؛ بلکه لازم است انسان پشیمان شده و بیمناک باشد و همیشه طلب مغفرت نماید و همراه با آن احسان و کار نیک انجام دهد تا از جمله رستگاران مقرب قرار گیرد، خداوند می‌فرماید:

﴿إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلٗا صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٖۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا٧٠﴾ [الفرقان: 70]. «مگر کسانى که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل مى‏کند; و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!».

و در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَإِنَّهُۥ يَتُوبُ إِلَى ٱللَّهِ مَتَابٗا٧١﴾ [الفرقان: 71].

«و کسى که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوى خدا بازگشت مى‏کند (و پاداش خود را از او مى‏گیرد)».

ای برادر مسلمان: هنگامی که جان و نفس، شما را به گناه کردن فراخواند، و به انجام آن فکر کردی و در دل تصمیم به ارتکاب آن گرفتی، مطالبی که درباره شوم بودن گناه و عاقبت آن – که در ضمن این رساله می‌آید – را بخوانید، و عظمت آفریدگار و فضلش بر خویش را به یاد آورید، خدای که نعمت سلامتی و عافیت را به شما عطا کرده است، و اگر این نعمت‌ها نبودند نمی‌توانستی گناه انجام بدهی، برادر رفتارت را با هم مقایسه کن، لذت گناه چند لحظه است، امیدوارم هنگام گناه کردن تلخی محرومیت را به یاد آورید، فایده در لذتی نیست که عاقبت آن آتش است.

از پروردگار خواستارم که ما و شما را از پلیدی و گناه محفوظ بدارد.

خدایا آرزوهایمان را برآورده کن، و عاقبت ما را نیکو گردان، و راه رسیدن به خشنودی را برایمان هموار ساز، و دست ما را در رسیدن به امور خیر بگیر، و در دنیا و آخرت به ما رحمت عطا فرما، ای غفار از مرحمت و مهربانی‌ات ما را از آتش جهنم محفوظ بفرما.

وصلى‌الله على محمد وعلى آله وصحبه وسلم

🟔🏵🟔🏵🟔

پیشگفتار

ریشه‌ى گناه

«اولین گناه و نافرمانی که در آسمان انجام گرفت»[[1]](#footnote-1).

اولین گناه در آسمان حسادت ابلیس به آدم بود، آنگاه که خداوند به او فرمان داد برای آدم سجده نماید، بخاطر تکبر و غرور و خودخواهی سجده نبرد.

پس از آن، گناه آدم و حوا بود، آنگاه که خداوند به آن‌ها دستور داد از ثمر درخت نخورند بـه تشویـق ابلیس - لعنت خدا بر او باد - از آن خوردند، سپس توبه کردند و خداوند توبه آن‌ها را پذیرفت، و علت آن: «چون گناه، ترک فرمان در نزد خداوند از ارتکاب نهی بزرگ‌تر است، بخاطر این آدم از خوردن درخت نهی شده بود، و خداوند توبه او را پذیرفت، و به ابلیس دستور داده بود برای آدم سجده ببرد و چون امتثال امر نکرد توبه‌اش مورد پذیرش قرار نگرفت[[2]](#footnote-2)، چون غالباً منشاء ارتکاب نهی، شهوت و نیار است، و منشاء ترک فرمان و امر، تکبر و خودخواهی است، و کسی که به اندازه ذره‌ای تکبر در قلبش باشد وارد بهشت نمی‌شود، اما کسی که بر توحید بمیرد گرچه زنا و دزدی نیز کرده باشد، وارد بهشت می‌شود»[[3]](#footnote-3).

پس هر کسی اوامر پروردگار مانند نماز و امثال آن را ترک کند، بی‌تردید در برابر خطر بزرگی قرار گرفته است.

آثار گناه آدم و حوا بر فرزندان‌شان چیست؟

ابوهریرهس از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمودند: (اگر حوا نبود هرگز زنی به شوهرش خیانت نمی‌کرد)[[4]](#footnote-4). منظور از حدیث این است که حوا آدم را به مخالفت فرمان پروردگار و خوردن از ثمر درخت تشویق و ترغیب کرد، و مراد از خیانت زنا کردن نیست، و ریشه آن بخاطر شومی گناه در دخترانش باقی ماند.

ابوهریرهس از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمودند: «هنگامی که خداوند آدم را آفرید بر پشت وی دستی کشید و نسل هر فردی از فرزندانش تا روز قیامت خارج شد، و بر پیشانی هر فردی ذره‌ای نور قرار داد، سپس آن‌ها را به آدم نشان داد، آدم گفت: پروردگارا! آن‌ها کی هستند؟ گفت: فرزندانت هستند، آدم مردی را دید نور پیشانیش او را شگفت زده کرد، گفت: پروردگارا! این کیست؟ گفت: مردی از آخرین فرزندانت است و نامش داود است، گفت: پروردگارا چند سال سن به او عطا کرده‌ای؟ گفت: شصت سال، گفت: پروردگارا! چهل سال از سن من به او عطا کن، و هنگامی که سن آدم تمام شد فرشته مرگ به نزدش آمد، آدم گفت: مگر چهل سال از سن من باقی نمانده است؟ ملک الموت گفت: مگر آن را به فرزندت داود نداده‌ای؟ پیامبر ص گفت: آدم انکار کرد پس فرزندانش انکار می‌کنند! و آدم خطا کرد، فرزندانش نیز خطا می‌کنند!»[[5]](#footnote-5).

آدم فراموش کرد که پروردگار او را از خوردن ثمر درخت نهی کرده است، و بخاطر شومی و بدی معصیت فراموشی نیز به فرزندانش سرایت کرد. و آدم و همسرش با خوردن ثمر درخت خطا کردند، و این خطا بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندانش سرایت کرد، و آدم انکار کرد که چهل سال عمرش به داود داده است، و این انکار بخاطر شومی و بدی گناه به فرزندانش سرایت کرد.

اولین گناه و نافرمانی که در زمین انجام گرفت[[6]](#footnote-6).

اولین گناه در زمین حسادت قابیل به برادرش هابیل بود تا جای که او را بقتل رساند، أعمش از عبدالله ‌بن مره از مسروق از عبدالله بن مسعودس روایت می‌کند که پیامبر ص فرمودند: هر کسی در زمین کشته شود برخى از گناه آن بر گردن قابیل است، چون او اولین کسی است که قتل را به راه انداخت[[7]](#footnote-7).

هر کسی به ظلم کشته شود برخی از گناه آن گریبان‌گیر قابیل است، و این بخاطر شومی و بدی گناه است.

🟔🏵🟔🏵🟔

فصل اول:  
اسباب گناه

گناهان اسباب و عواملی دارند که بصورت خلاصه چنانچه ابن قیم آورده است به سه چیز برمی‌گردد:

1- وابستگی قلب به غیر خداوند، و آن منجر به شرک می‌شود.

2- پیروی از نیروی قهری، و آن منجر به ظلم کردن می‌شود.

3- پیروی از نیروی شهوانی، و آن منجر به فاحشه‌گری می‌شود.

و عاقبت وابستگی به غیرخدا: شرک، و باور به خدای دیگر است.

و عاقبت پیروی از نیروی قهری: قتل است.

و عاقبت پیروی از نیروی شهوانی: زنا کردن است.

بدین سبب خداوند هر سه را در یک آیه چنین آورده است:

﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقۡتُلُونَ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَا يَزۡنُونَۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ يَلۡقَ أَثَامٗا٦٨﴾ [الفرقان: 68].

«و کسانى که معبود دیگرى را با خداوند نمى‏خوانند; و انسانى را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمى‏کشند; و زنا نمى‏کنند; و هرکس چنین کند، مجازات سختى خواهد دید».

و برخی از اینها باعث به وجود آمدن دیگری می‌شود، شرک آدم را به ظلم و فاحشه‌گری وامی‌دارد، چنانچه توحید و اخلاص آدم را از آن دور می‌دارد[[8]](#footnote-8).

به خدا سوگند این عاقبت تلخ‌ ماست، تا جایی که سران کفر بر گردن مسلمانان بدون شفقت و مهربانی تسلط یافته‌اند، و هر فاجعه‌ای در گوشه گوشه جهان رخ می‌دهد مسلمانان نصیب بزرگی در آن دارند، «ولا حول ولا قوة إلا بالله العظیم» و این - پناه به خدا - به خاطر شومی و بدی گناه می‌باشد.

🟔🏵🟔🏵🟔

فصل دوم:  
آثار گناه در گذشتگان

یوسف**÷**:

حسن از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمودند: رحمت خدا بر یوسف اگر به آن زندانی نمی‌گفت: ﴿ٱذۡكُرۡنِي عِندَ رَبِّكَ﴾ [يوسف: 42]. **«**مرا نزد صاحبت (سلطان مصر) یادآورى کن!». این مدت در زندان باقی نمی‌ماند، سپس حسن گریه می‌کند و می‌گوید: ما هر گاه مشکلی رخ دهد دست به دامان مردم می‌شویم[[9]](#footnote-9).

یازده برادر یوسف و بنی‌اسرائیل که فرزندان آنها بودند:

و قصه آن‌ها نسبت به برادرشان «یوسف» در قرآن مشهور است، و در آن قصه آمده است: ﴿أَحَبُّ إِلَىٰٓ أَبِينَا مِنَّا﴾ [يوسف: 8].

«یوسف در نزد پدرمان از ما محبوب‌تر است».

و این حسادت آن‌ها بود، و این حسادت به فرزندان آن‌ها سرایت کرد، و سخن آن‌ها: ﴿إِن يَسۡرِقۡ فَقَدۡ سَرَقَ أَخٞ لَّهُۥ مِن قَبۡلُۚ﴾ [يوسف: 77].

«اگر او (بنیامین) دزدى کند، (جاى تعجب نیست;) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدى کرد».

و این تهمت و دروغ بود، و تهمت و دروغ به فرزندان آن‌ها سرایت کرد، و سخن آن‌ها: ﴿ٱقۡتُلُواْ يُوسُفَ﴾ [يوسف: 9].

«یوسف را بکشید».

آن‌ها بخاطر نیل به اهداف و عملی کردن نقشه شوم‌ به هر چیزی – گرچه کشتن یوسف هم باشد – متوسل شدند، و این رفتار ناپسند در فرزندان‌شان باقی ماند[[10]](#footnote-10).

و سخن آن‌ها: ﴿وَنَحۡفَظُ أَخَانَا وَنَزۡدَادُ كَيۡلَ بَعِيرٖۖ ﴾ [يوسف: 65].

«و برادرمان را حفظ خواهیم کرد; و یک بار شتر زیادتر دریافت خواهیم داشت».

این سخن ناشی از محبت ثروت ‌اندوزی آن‌ها بود و به نسل آن‌ها بنی‌اسرائیل انتقال یافت، و آن‌ها در مصر اقامت گزیدند، سپس زیر سلطه فرعون قرار گرفتند، و فرعون به آن‌ها ظلم و ستم کرد و آن‌ها را ذلیل و خوار نمود، و فرزندان آن‌ها را کشت، و زنان‌شان را باقی گذاشت.

سپس خداوند موسی÷ را به پیامبری برگزید تا بنی‌اسرائیل را از آن حقارت و ذلت نجات دهد، تا شاید که سپاس‌گذار باشند، و قصه عجیب و مفصلی - در آغاز با تکریم پروردگار به آن‌ها - به وقوع می‌پیوندد: ﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَنِّي فَضَّلۡتُكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ٤٧﴾ [البقرة: 47]. «اى بنى اسرائیل! نعمت‌هایى را که به شما ارزانى داشتم به خاطر بیاورید; و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان، برترى بخشیدم».

و منظور از «فضلتکم» این است که خداوند پیامبران بسیاری را از بنی‌اسرائیل برگزید، و نعمت‌های فراوانی به آن‌ها بخشید، و دشمن سرسخت آن‌ها فرعون را در دریای نیل غرق کرد، و با وصف اکرام پروردگار، طلاجات و ثروت‌های مصریان را دزدیدند، و این کار بخاطر محبت ثروت ‌اندوزی آن‌ها بود.

و شنیع‌تر از آن: هنگامی که از رود نیل عبور کردند و موسی÷ به دیدار پروردگار رفت آن‌ها گوساله‌ای از طلا ساختند و آن را مورد پرستش قرار دادند! و بخاطر شوم بودن معصیت آن‌ها تا روز قیامت مورد خشم پروردگار – به جز مؤمنان – می‌باشند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأُشۡرِبُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡعِجۡلَ بِكُفۡرِهِمۡۚ﴾ [البقرة: 93]. «و دل‌هاى آن‌ها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد».

و چون آن گوساله از طلا ساخته شده بود تا حالا محبت طلا ‌اندوزی در دل‌شان پابرجاست، تا جای که هم اکنون مشاهده می‌کنیم سرمایه ‌داران و احتکار کنندگان بزرگ یهودی هستند.

و از صفات ناپسند آن‌ها: عناد و نافرمانی و مخالفت با پیامبران بوده است.

از جمله آن: هنگامی که به آن‌ها دستور داده شد با سجده بردن وارد «باب» شوند و بگویند: «حطه: مغفرت» تا گناهان آن‌ها آمرزیده شود و توبه‌شان مورد پذیرش قرار گیرد: ﴿فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ قَوۡلًا غَيۡرَ ٱلَّذِي قِيلَ لَهُمۡ﴾ [الأعراف: 162].

«اما ستمگران آن‌ها، این سخن (و آن فرمان‌ها) را، بغیر آنچه به آن‌ها گفته شده بود، تغییر دادند».

با مسخره گفتند: حنطه حنطه.

و از جمله آن: قصه گاو است: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تَذۡبَحُواْ بَقَرَةٗۖ﴾ [البقرة: 67].

«خداوند به شما دستور مى‏دهد ماده‏گاوى را ذبح کنید».

بخاطر شومی مخالفت و لجوجت آن‌ها خداوند در طلب بر آن‌ها سخت گرفت، و این صفت لجوجت به نوادگان آن‌ها سرایت کرد.

و از جمله آن: قصه «اصحاب السبت» است بخاطر شومی «حیله و کید» آن‌ها به میمون و خوک مسخ شدند.

و از جمله آن قصه: «من و سلوی» خوراک اهل بهشت، نعمتی که هرکس از آن می‌خورد سیر نمی‌شد، چون غذای روان و خستگی‌ناپذیر بود، و مزه و طعم آن نسبی نبود، اما آن گاه بنی‌اسرائیل در طور سینا بودند بخاطر عادت به مخالفت و لجوجت نزد موسی رفتند و از او خواستند به جای «من و سلوی[[11]](#footnote-11)» نباتات از جمله خیار و سیر و پیاز و عدس را از خداوند درخواست نماید.

بخاطر شومی و نحسی گناه، خداوند آن‌ها را در سرزمین مصر سکونت داد، و ذلت خواری را بر سر آن‌ها آورد، و مورد خشم خدا قرار گرفتند، و در بین آن‌ها و نوادگان گمراه آن‌ها باقی ماند.

و از جمله آن: خداوند به آن‌ها دستور داد که غذا را ذخیره نکنند و غذا در آن هنگام هرچند به مدت طولانی فاسد نمی‌گردید، لیکن بخاطر خو گرفتن بنی‌اسرائیل به لجوجت و مخالفت، غذا را ذخیره کردند، و از شومی و نحسی گناه از آن هنگام به بعد غذا فاسد می‌شود[[12]](#footnote-12).

ابوهریرهس از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمودند: «اگر بنی‌اسرائیل نبودند هرگز غذا خراب نمی‌شد و گوشت فاسد نمی‌گردید»[[13]](#footnote-13).

شوم بودن فرعون برای خویش و خانواده و اطرافیانش:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَحَاقَ بِ‍َٔالِ فِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ٤٥﴾ [غافر: 45]. «و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد!».

آن‌ها در دنیا مورد لعنت خداوند قرار گرفتند، و حتی گنجینه‌شان – پناه به خدا – نیز مورد لعن قرار گرفت، و اگر کسی آن را بدست بیآورد شومی و نحسی لعنت او را فرامی‌گیرد[[14]](#footnote-14) و از آن هنگام گنجینه فرعون به «لعنت فرعونیان» معروف شد، و اما در آخرت: خداوند می‌فرماید: ﴿ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ٤٦﴾ [غافر: 46].

«عذاب آن‌ها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه مى‏شوند; و روزى که قیامت برپا شود (مى‏فرماید:) آل فرعون را در سخت‏ترین عذاب‌ها وارد کنید!».

قوم صالح و شعيب وهود و نوح و لوط**†**:

اقوامی‌که بوسیله – صیحه آسمانى یا باد سهمگین یا سنگ آسمانی – نابود و هلاک شدند، و از شومی گناه: در مملکت آن‌ها کسی سکونت نمی‌گزیند، و از چشمه‌های آنجا آب نمی‌نوشند، و علوم و فنون سنگ‌ تراشیدن و شناختن جاهای آب و معدن‌های زیرزمینی آن‌ها مفقود گردید[[15]](#footnote-15).

و آثار و بقایای آن‌ها دلیل بر آن است، و اثبات برتری شگفت‌انگیز آن‌هاست به شیوه‌ای که هم اکنون پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها قادر به چنین سنگ‌تراشی نیست، و آن‌ها به خویش ظلم کردند، و اولین نفری - که از گذشتگان - به این ظلم اعتراف کرد آدم÷ بود و گفت: ﴿رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٢٣﴾ [الأعراف: 23].

«پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشى و بر ما رحم نکنى، از زیانکاران خواهیم بود!».

و درباره آن‌ها می‌گوید: ﴿فَتِلۡكَ بُيُوتُهُمۡ خَاوِيَةَۢ بِمَا ظَلَمُوٓاْۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ٥٢﴾ [النمل: 52]. «این خانه‌های ویران شده آن‌هاست، و در آن عبرت و پند برای دانایان است».

راز عذاب همیشگی کافران در جهنم:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ وُقِفُواْ عَلَى ٱلنَّارِ فَقَالُواْ يَٰلَيۡتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ٢٧ بَلۡ بَدَا لَهُم مَّا كَانُواْ يُخۡفُونَ مِن قَبۡلُۖ وَلَوۡ رُدُّواْ لَعَادُواْ لِمَا نُهُواْ عَنۡهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ٢٨﴾ [الأنعام: 27-28].

«کاش (حال آن‌ها را) هنگامى که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده‏اند، ببینى! مى‏گویند: اى کاش (بار دیگر، به دنیا) بازگردانده مى‏شدیم، و آیات پروردگارمان را تکذیب نمى‏کردیم، و از مؤمنان مى‏بودیم! (آن‌ها در واقع پشیمان نیستند،) بلکه اعمال و نیاتى را که قبلا پنهان مى‏کردند، در برابر آن‌ها آشکار شده (و به وحشت افتاده‏اند). و اگر بازگردند، به همان اعمالى که از آن نهى شده بودند بازمى‏گردند; آن‌ها دروغگویانند».

در این دو آیه اندیشیدم، و خیلی تعجب کردم که چگونه کافران به جهنم افکنده می‌شوند، و مواجه سخت‌ترین عذاب می‌باشند، و بخاطر انجام دادن اعمال نیک خواستار خروج از جهنم و بازگشت به دنیا می‌شوند، و خداوند عزیز و قهار درخواست آن‌ها را نمی‌پذیرد: ﴿وَلَوۡ رُدُّواْ لَعَادُواْ لِمَا نُهُواْ عَنۡهُ﴾

«و اگر بازگردند، به همان اعمالى که از آن نهى شده بودند بازمى‏گردند».

و آنگاه که بدانید «ران: زنگاری» دل‌هایشان را پوشیده است و مانند سنگ جهنم بلکه سخت‌تر از آن شده است و هیچ نیکی در آن تأثیر ندارد شگفت‌زده نمی‌شوید، و بخاطر شومی و نحسی معصیت به سوخت و غذای جهنم تبدیل شده‌‌اند و با صورت به جهنم افکنده می‌شوند و در آن جاویدان هستند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ﴾ [البقرة: 24].

«هیزم آن، بدن‌هاى مردم (گنهکار) و سنگ‌ها ( بت‌ها) است».

خداوند به آن‌ها ظلم نکرد بلکه آن‌ها به خویش ظلم و ستم کرده‌اند.

امام احمد و مسلم از حذیفه روایت می‌کنند که پیامبر ص فرمودند: فتنه‌ها – مانند جای شاخه شاخه حصیر در بدن کسی که بر روی آن می‌خوابد – بر دل‌ها وارد می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش یابد نکته سیاهى در آن پیدا می‌شود، و هر قلبی با آن آمیزش نیابد نکته سفیدی در آن پیدا می‌شود، تا جایکه آن قلب مانند سنگ سفید صاف می‌شود و هیچ فتنه‌ای در آن تأثیر نخواهد کرد تا آسمان و زمین پا برجاست، و قلب‌های دیگری مانند «مربد: شدت سفیدی همراه با سیاهی» کوزه وارونه شده، به غیر هوای و هوس نه خوبی را می‌شناسند، و نه از بدی دوری می‌کنند[[16]](#footnote-16).

فصل سوم:  
آثار گناه در امت محمد **ص**:

مردی که به پیامبر **ص** گفت با عدالت رفتار نکردی:

ابوسعیدس روایت می‌کند علیس فرمودند: پس از اینکه پیامبر ص مرا به یمن فرستاد و طلا و زیورآلاتی را به نزد پیامبر ص آوردم، پیامبر ص فرمودند: «آن را در بین اقرع ‌بن حابس، و زید طائی، و عیینه بن حصن فزاری و علقمه بن علاثه عامری تقسیم کن»، مردی چشم فرو رفته، پیشانی برجسته، سر تاس، برخاست و گفت: بخدا سوگند با عدالت تقسیم نکردی! پیامبر ص فرمودند: «وای بر تو، اگر من عادل نباشم چه کسى عادل است، هدف من تشویق و ترغیب آن‌ها بود» حاضرین به او هجوم بردند تا به قتلش برسانند، پیامبر ص فرمودند: «رهایش کنید، از نسل این مرد در آخر زمان قومی بدنیا می‌آید مسلمانان را می‌کشند و بت‌پرستان را رها می‌کنند، اگر آن‌ها را بیابم مانند کشتار قوم عاد آن‌ها را می‌کشم»[[17]](#footnote-17).

خوارج[[18]](#footnote-18) از سپاه علی بیرون آمدند و بخاطر شومی گناه پدرشان در گفتن «عادل نیستی» شکاف عمیقی در تاریخ اسلام ایجاد کردند[[19]](#footnote-19).

پنهان شدن لیله‌القدر:

در حدیثی پیامبر ص می‌فرماید: ای مردم شب قدر را به من نشان دادند و از خانه بیرون آمدم تا آن را به مردم اعلام کنم، دو مرد آمدند و با صدای بلند باهم مشاجره می‌کردند و شیطان همراه آن‌ها بود، و مشاهده آن‌ها باعث گردید لیله‌القدر را فراموش کنم[[20]](#footnote-20).

و شب قدر بخاطر شوم بودن گناه - مشاجره - آن دو نفر پنهان گردید و از خیر بزرگی محروم شدیم، و کسی نمی‌داند شب قدر در چه شبی از شب‌های رمضان است.

شتر نفرین شده:

عمران‌ بن حصینس می‌گوید: پیامبر ص در مسافرتی، زن انصاری را سوار بر شتری دید، آن زن خشمگین شد و شتر را لعن و نفرین کرد، پیامبرص آن را شنید و گفت: «آن زن را از شتر پائین بیاورید و شتر را رها کنید، چون نفرین شده است». عمران می‌گوید پس از آن شتر را می‌دیدم در بین مردم می‌گشت و کسی به آن کاری نداشت[[21]](#footnote-21).

بخاطر شومی معصیت آن شتر تا هلاکت رها گردید! و انسان هر چیزی را نفرین کند- پناه به خدا - بر آن قیاس می‌شود.

دعای پیامبر **ص** علیه طائفه مضر:

پیامبر ص فرمود: «خدایا بر مضر سخت‌گیر، و بر آن‌ها خشکسالی مانند دوران یوسف ؛ بیاور، در نتیجه قحطی و خشکسالی سختی به مدت هفت سال آن‌ها را فرا گرفت تا جای که با شومی معصیت و دعای پیامبرص از گرسنگی قدید (گوشت خشک کرده و نمک سود) و استخوان می‌خوردند، و آن قحطی پیامبر ص و اصحابش را نیز فرا گرفت، و با دعای پیامبر ص، مجازات همه را فرا گرفت تا جایى که از گرسنگی سنگ را بر شکم می‌بستند[[22]](#footnote-22).

محروم بودن از باران:

ابوهریرهس می‌گوید: (هوبره «نوعی پرنده» از ظلم ستمگر در لانه‌اش می‌میرد). مجاهد/ می‌گوید: (زمانی که باران قطع شود و خشکسالی باشد چهارپایان آدم‌های گناهکار را نفرین می‌کنند، و می‌گویند این بخاطر شومی گناه انسان است)، عکرمه/ می‌گوید: (حیوانات و حشرات حتی سوسک و عقرب‌ها می‌گویند: بخاطر گناه انسان‌ها از باران منع شده‌ایم)[[23]](#footnote-23).

انس بن مالک می‌گوید: (سوسمار در لانه‌اش بخاطر گناه انسان از لاغری می‌میرد)[[24]](#footnote-24).

ابن قیم می‌گوید: کیفر گناه خاتمه نمی‌یابد تا بی‌گناه را نیز فراگیرد![[25]](#footnote-25).

مجازات خداوند نیکوکار و بدکار را فرامی‌گیرد:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَٱتَّقُواْ فِتۡنَةٗ لَّا تُصِيبَنَّ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنكُمۡ خَآصَّةٗۖ ٢٥﴾ [الأنفال: 25].

«و از فتنه‏اى بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمى‏رسد; (بلکه همه را فرا خواهد گرفت; چرا که دیگران سکوت اختیار کردند)».

زینبل می‌گوید: «ای پیامبر ص آیا با وجود اینکه صالحان میان ما هستند نابود می‌شویم؟ فرمودند: آری اگر بدی و شرارت زیاد شود».

خداوند قوم نوح÷ را همگی اعم از کودکان و حیوانات بخاطر گناه مکلفان غرق کرد، و قوم عاد را با باد صرصر، و قوم ثمود را با صاعقه، و قوم لوط را با سنگ، نابود و هلاک کرد، و اصحاب السبت را به میمون و خوک مسخ کرد، و فرزندان آن‌ها را نیز فراگرفت، اگر کسی بگوید چگونه خداوند بخاطر ستم گروهی همگی را مجازات می‌کند در حالی که می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَنَا۠ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ٢٩﴾ [ق: 29].

«و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد».

در پاسخ، سخن - ایاس بن معاویه را نقل می‌کنیم که می‌گوید: از برخی علماء پرسیدم ظلم در کلام عرب یعنی چه؟ گفتند از کسی چیزی بگیرد که حق او نیست، گفتم پس هر چیزی از آن خداوند است، سپس انسان‌ها را بر نیت‌شان زنده می‌گرداند[[26]](#footnote-26).

گفته پیامبر ص به صحابه: «از اینجا برخیزید»:

ابن عباسب می‌گوید: (به هنگام احضار مرگ پیامبرص برخی صحابه از جمله عمر بن خطابس نزد پیامبرص بودند، پیامبرص فرمودند: «کاغذ و قلم را بیاورید تا چیزی را برایتان بنویسم تا پس از من هرگز گمراه نشوید». عمرس گفت: «ناراحتی پیامبرص زیاد شده است و قرآن در نزد شماست، و قرآن برای ما کافی است و پیامبر را اذیت نکنیم[[27]](#footnote-27)». حاضرین صدای‌شان را بلند کردند و با هم مشاجره کردند، برخی گفتند: نزدیک شوید تا پیامبرص چیزی را برای شما بنویسد که هرگز گمراه نشوید! و برخی دیگر مانند عمر فکر می‌کردند، وقتی که اختلاف و مشاجره زیاد شد پیامبرص فرمود: «از اینجا برخیزید و بیرون روید»[[28]](#footnote-28).

عبیدا‌لله می‌گوید: ابن عباسبگفت: (بدبختی، چه بدبختی بزرگی بخاطر اختلاف و مشاجره و تنازع از نوشته پیامبر ص محروم شدیم)[[29]](#footnote-29).

در حدیث آمده است: که اختلاف باعث محرومیت از خیر و برکت می‌شود.

و این برخی از آثار شوم بودن گناه بر امت محمد ص بود.

🟔🏵🟔🏵🟔

فصل چهارم:  
کارهای بسیار خطرناکی که انسان متوجه آن نمی‌شود، بسیار شوم و زود رخ خواهد داد

نافرمانی پدر و مادر و قطع خویشاوندی:

پیامبر ص می‌فرماید: (به پدر و مادر نیکی کنید، فرزندانتان به شما نیکی می‌کنند)[[30]](#footnote-30).

عیسی بن مریم÷ می‌گوید: (خوشا به حال مسلمان، خوشا به حالش، چگونه پروردگار فرزندانش را پس از وی محفوظ می‌دارد)[[31]](#footnote-31).

انس بن مالکس روایت می‌کند که پیامبر ص فرمودند: «هرکس دوست دارد روزیش فراوان، و عمرش طولانی باشد، صله رحم «خویشاوندی» را قطع نکند»[[32]](#footnote-32).

این درباره کسی است که به پدر و مادر نیکی کند و صله رحم را برقرار نماید، اما کسی که نافرمانی پدر و مادر نماید و قطع خویشاوندی کند، وای بر وی، وای، بدی جوابش بدی است، چون هر کسی انگور بکارد انگور درو می‌کند، و هر کسی خار بکارد خار درو می‌کند، و هر طور رفتار کنید همان در زندگی به سراغت می‌آید، تا جای که گفته‌اند: «نیکی کردن به پدر و مادر به فرزندان می‌رسد»[[33]](#footnote-33).

ابوهریرهس از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمودند: (هنگامی که خداوند تمام خلایق را آفرید، «رحم» برخاست و گفت: این مقامی است که از قطع آن «رحم» به تو پناه برده می‌شود، خداوند فرمودند: آری، آیا راضی می‌شوید هر کسی تو را وصل کند وصلش کنم؟ و هر کسی تو را قطع کند قطعش کنم؟ گفت: آری، خداوند گفت: این حق توست)[[34]](#footnote-34).

ابن جوزی/ می‌گوید: (یکی از اذیت‌کنندگان پدر و مادر، روزی پدرش را کتک زد و تا جای او را روی زمین کشید، پدرش به او گفت: کافیست، تا اینجا پدرم را روى زمین کشیده‌ام!)[[35]](#footnote-35).

تعجب نکنید اگر بسیاری از اذیت‌کنندگان پدر و مادر در عاقبت گمراه می‌شوند، چون این‌ها بدهکارى خود با رفتار بد پدر و مادر را بر مى‌گردانند، و این فرموده خداوند را فراموش کرده‌اند: ﴿مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ١٨﴾ [ق: 18].

«انسان هیچ سخنى را بر زبان نمى‏آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‏اى مراقب و آماده براى انجام ماموریت (و ضبط آن) است».

و این بخاطر شومی گناه است.

زنا کردن و مقدمات آن:

هر کسی - پناه به خدا - زنا کند یا برخی از مقدمات آن مانند عشق‌بازی و چشمک‌زنی انجام دهد، آثار شوم آن، خانواده و همسر و خواهر و مادر و دخترانش را فرامی‌گیرد، خداوند می‌فرماید:﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا٣٢﴾ [الإسراء: 32].

«و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهى است».

در کلمه ﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ﴾ فکر کنید، خدا نفرموده است: (ولا تقترفوا) تا جای که مقدمات زنا نیز عذاب بازدارنده‌ای داشته باشد، و این طرفی از شومی گناه زنا است.

و طرف دیگر آن با هم این حدیث شگفت‌انگیز را بخوانیم: عبدالله ‌بن عمر بن خطابب می‌گوید: با نه نفر از مهاجرین نشسته بودیم ناگاه پیامبر ص رو به ما کرد و فرمود: «ای جماعت مهاجرین به خداوند پناه می‌برم که پنج خصلت هست شما را فرانگیرد[[36]](#footnote-36): زنا و فحشاء در بین هر ملتی علنی و آشکارا شود به طاعون و خشکسالی گرفتار می‌شوند که در گذشتگان سابقه نداشته است و غیره ....[[37]](#footnote-37)». این حدیث بیماری‌های ناشی از بی‌اخلاقی و انحرافات جنسی را بیان می‌کند، و این بیماری‌ها دارای صفاتی هستند، در هیچ بیماری دیگری یافت نمی‌شود به شیوه‌ای که نشان می‌دهد این بیماری‌‌ها – پناه به خدا – مجازاتی الهی هستند.

از جمله آن مجازات‌ها:

1. از بین رفتن قدرت طبیعی:

هنگامی که انسان به بیماری میکروبی مانند حصبه مبتلا می‌شود، و دارو برای وی تجویز شود، داروی ضد آن به خواست خدا باکتری آن را از بین می‌برد، ولی در بیماری‌های جنسی برعکس است، چون به محض بهبودی شخص از یک بیماری به دیگری مبتلا می‌شود.

1. واگیر است:

باکتری بیماری‌های جنسی فقط دچار انسان و بر بدن وی زیست می‌کند، و در بدن حیوان زیست نمی‌کند، و بیشتر از طریق آمیزش جنسی انتقال می‌یابد، و گاهی از طریق آمپول و خون و آب دهان نیز انتقال می‌یابد، و این آثار شوم زناست!

1. ویروس سفلیس، تمام دانشمندان جهان را متحیر کرده است:

بیشتر بیماری‌های واگیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه و بررسی و تحقیق هستند، اما ویروس بیماری‌های جنسی مانند ویروس زگیل جنسی و سفلیس غیر قابل علاج و کشت در آزمایشگاه است، و بخصوص جز موارد نادری از آن شناخته شده نیست. و پیچیدگی که در انواع این میکروب‌ها وجود دارد و همه از آن بی‌خبرند نشان دهنده آن است که مجازات الهی هستند: ﴿جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ﴾ [الفتح: 4].

«لشکریان آسمان‌ها و زمین (لشکرهای ‌حسی، لشکرهای‌ معنوی‌ و لشکرهای‌ غیبی‌ ـ اعم‌ از فرشتگان، انسیان‌، جنیان، شیاطین‌ و فرود آوردن‌ آرامش‌ روحی‌ بر مؤمنان‌ ـ) از آن خداست».

1. قدرت استثنائی:

ویروس بیماری‌های آمیزشی خاصیتی دارد که در دیگر بیمار‌ی‌ها یافت نمی‌شود، برای نمونه ویروس سفلیس که بصورت مارپیچ و دارای دو نوک تیز است، در جهت ورود به جسم انسان قدرت شگفت‌انگیزی در سوراخ کردن اعضای تناسلی و جسم دارا می‌باشد، هنگامی که جسم سالم موادی روغنی را بعنوان مانعی طبیعی داراست و از ورود غبار و میکروب به بدن جلوگیری می‌کند و جسم را از میکروب‌ها مصون می‌دارد، میکروب‌ها از طریقی دیگر مانند دستگاه تنفسی و معده و روده‌ها همراه با تنفس و آب و غذا وارد بدن می‌شوند، ولیکن این موانع طبیعی جسم در برابر ویروس سفلیس ناکام است.

1. کثرت و فراوانی:

آمیزش جنسی نامشروع گرچه یک بار هم باشد ممکن است منجر به سرایت و شیوع انواع بیماری‌ها شود، گاهی در یک دفعه احتمال دارد به پنج نوع بیماری برسد.

1. پیشگیری:

علم پزشکی واکسن بیشتر بیماری‌های واگیر و مسری را کشف کرده است، اما بیماری‌های جنسی غیر قابل علاج است!

1. انتشار متعدد:

کاری طبیعی است که بیماری‌های واگیردار از شخصی به شخصی دیگر در صورتی انتقال می‌یابد که مسبب آن وجود داشته باشد، ولیکن بیماری‌های آمیزشی از شخصی به دیگران بدون سبب انتقال می‌یابد، برای نمونه کسی که بیماری سفلیس دارد - پناه به خدا - این بیماری به فرزندانش از نظر خلقتی و در ضمن ولادت سرایت می‌کند، و همچنین شکنجه و آزار مادر و جنین را چند برابر می‌کند، و کسی که بیماری سوزاک دارد چشمان فرزندش را آنچنان می‌سوزاند تا کورش می‌کند.

1. بیماری ایذر:

بیماری که مشهور به «از دست دادن بنیه جسمی» است، ایذر ویروسی است به سلول‌ها هجوم می‌برد و باعث سست شدن بنیه جسمی و ابتلا به انواع باکتری و انگل‌ها می‌شود و غده لنفاوی در دو طرف جسم ضخیم می‌کند، و همراه با آن وزن بدن کاهش می‌یابد، و لکه‌های قرمزی مانند خون‌مردگی در بدن پیدا می‌شود، و هفته‌ها به اسهال و سرفه شدید و تنگی نفس همراه با فراموشی و سستی و ضعف بدن و التهاب سینه و تب و عرق دائمی و سرطان پوستی مبتلا می‌شود.

عامل بیماری ایذر: آمیزش جنسی نامشروع، و گاهی هم جنس‌بازی، تزریق مخدرات، انتقال خون، از طریق جنین یا تزریق، یا شیردهی از طریق دهان می‌باشد، قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمۡۚ وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ فِيٓ إِمَامٖ مُّبِينٖ١٢﴾ [يس: 12].

«به یقین ما مردگان را زنده مى‏کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‏اند و تمام آثار آن‌ها را مى‏نویسیم; و همه چیز را در کتاب آشکار کننده‏اى برشمرده‏ایم».

ایذر[[38]](#footnote-38) کیفری الهی است هزاران هزار نفر را نابود کرده است، و تا امروزه علم پزشکی راه علاجی برای آن نیافته است، بدون تردید این آثار شوم گناه است تا جای که انسان بی‌گناه نیز از طریق انتقال خون به آن مبتلا شده است!

بَلاء موکل به سخن است:

پیامبر ص می‌فرماید: «از بدبختی و گناه دیگران مسرور مباش و به قیافه و حرکات و سخنان دیگران مسخره نکن، شاید خداوند به او رحم کند و شفایش دهد و تو گرفتار و مبتلا کند»[[39]](#footnote-39)، و این بسیار مهم است شاید بسیاری به آن توجه نکنند، در روایت آمده: (هر کسی برادرش را بخاطر گناهی ناسزا گوید وفات نمی‌کند تا آن گناه را انجام دهد) ترمذی.

امام احمد/ می‌فرماید: از حسن/ شنیدم فرمود: (هر کسی برادرش را به گناهی که از آن توبه کرده است ناسزا گوید، خداوند او را به آن می‌آزماید)[[40]](#footnote-40).

ابن سیرین/ می‌گوید: «مردی را بخاطر ورشکستگی مسخره کردم، پس از آن خودم ورشکسته شدم!).

ابن جوزی/ می‌گوید: «شخصی گفت: مردی را بخاطر افتادن چند تا دندانش مسخره کردم، پس از آن دندان‌هایم افتاد!)[[41]](#footnote-41).

از برخی سلف نقل شده: (اگر به سگی ناسزا گویم می‌ترسم به سگ تبدیل شوم).

به خدا سوگند این نتیجه آشکار و واضح ناسزاگویی و مسخره کردن، یا در مسخره‌کننده، یا در فرزندانش است، و همه این‌ها به خاطر آثار شوم گناه است، و جز این دعا هیچ چیزی این بلا را دور نمی‌کند: (الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاك به وفضلني على کثیر ممن خلق تفضیلاً)**.** پیامبرص می‌فرماید: (هرکسی این دعا را بخواند آن بلا او را فرانمی‌گیرد)[[42]](#footnote-42).

لعنت و آثار شوم آن:

لعنت و نفرین نکته بارز در بیشتر سخنان مردم است، و از بلاهای است که شمولیت پیدا کرده است، و این تأیید و مصداق این حدیث است که از پیامبر ص پرسیدند: (سقّارین) کی هستند؟ فرمودند: «مردمانی هستند که در آخر زمان وقتی که به هم می‌رسند به جای سلام کردن یکدیگر را لعنت و نفرین می‌کنند»[[43]](#footnote-43).

به آثار شوم گناه در این حدیث بنگرید، ابودرداء روایت می‌کند پیامبرص فرمودند: «اگر کسی چیزی را نفرین نماید این نفرین به آسمان بالا می‌رود، درهای آسمان بر رویش بسته می‌شود، سپس به زمین باز می‌گردد، درهای زمین نیز بسته می‌شود، سپس به راست و چپ می‌رود، و چون جای را نمی‌یابد به کسی که نفرین شده – اگر مستحق آن باشد – برمی‌گردد وگرنه به گوینده آن برمی‌گردد[[44]](#footnote-44).

و آثار شوم این گناه منجر به محرومیت شخص از شهادت دادن و شفاعت کردن می‌شود، ابودرداءس روایت می‌کند پیامبرص فرمودند: (لعنت‌کنندگان نباید بعنوان شفاعت‌کننده و شاهد پذیرفته شوند)[[45]](#footnote-45).

شوم بودن گناه لعن شامل غیر عاقل نیز می‌شود، ابن عباسب روایت می‌کند: مردی باد را لعن و نفرین کرد، پیامبر ص فرمود: «باد را لعن مکن، باد مأمور است. زیرا هر کسی چیزی را لعن کند و آن چیز مستحق لعن نباشد به گوینده برمی‌گردد»[[46]](#footnote-46).

و از بزرگ‌ترین گناهان: لعن غیرمستقیم پدر و مادر است، چنانچه پیامبرص می‌فرماید: «کسی که به پدر کسی ناسزا می‌گوید او نیز پدر او را ناسزا می‌گوید، و به مادر کسی ناسزا می‌گوید او نیز به مادرش ناسزا می‌گوید»[[47]](#footnote-47)، و نسبت دادن فسق و کفر به مسلمان نیز بر لعن قیاس می‌شود[[48]](#footnote-48).

وسواس بودن:

عامل وسوسه آثار شوم گناهان پیشین است، هنگامی که کسی از گناهان توبه می‌کند شیطان به نزد او می‌آید و فریبش می‌دهد و گناهان گذشته را به یادش می‌آورد تا از رحمت خدا مأیوس شود، و زمانی که مؤمن هتک حرمات پروردگار نکرده باشد شیطان نمی‌تواند او را وسوسه کند، چنانچه علی ‌بن ابیطالبس می‌گوید: «هیچ بلائی جز با گناه فرود نمی‌آید و هیچ بلائی جز با توبه برداشته نمی‌شود»[[49]](#footnote-49) و در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٖ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ٣٠﴾ [الشورى: 30].

«هر مصیبتى به شما رسد بخاطر اعمالى است که انجام داده‏اید، و بسیارى را نیز عفو مى‏کند».

و جمله آن: این حدیث شگفت است: وهب بن منبه می‌گوید: خدای متعال – در ضمن آنچه به بنی‌اسرائیل فرموده – می‌فرماید: (هنگامی که اطاعت شوم خشنود خواهم شد، و اگر خشنود شوم رحمت و برکت نازل می‌کنم، و و برکات من نهایتی ندارد، و اگر نافرمانی شوم عصبانی می‌شوم، و اگر عصبانی شوم نفرین می‌کنم، و نفرین من به هفتمین نسل گناهکار می‌رسد)[[50]](#footnote-50).

و این حدیث مخالف این آیه قرآنى نیست: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ﴾ [الزمر: 7].

«و هیچ گنهکارى گناه دیگرى را بر دوش نمى‏کشد».

چون انسان بواسطه عاقبت شوم گناهش دوستان ناباب و راه معصیت و گمراهی را برای فرزندان و نوادگانش هموار می‌سازد، و در نتیجه حمایت و محافظت و پشتیبانی پروردگار شامل نوادگانش نمی‌شود: ﴿وَكَانَ أَبُوهُمَا صَٰلِحٗا﴾ [الكهف: 82].

«و پدرشان مرد صالحى بود».

امان! امان از هر گناهی، چون شوم و نحسی گناه به هفتمین نسل انسان می‌رسد.

🟔🏵🟔🏵🟔

فصل پنجم:  
آثار گناهان بر انسان

گناهان آثار ناپسند و مذمومی بر دل و جسم در دنیا و آخرت دارد، به جز خداوند کسی تعداد آن را نمی‌داند و از جمله آن:[[51]](#footnote-51)

1. محرومیت از علم: چون علم نوری است خداوند آن را در دل روشن کرده است، و گناه آن را خاموش می‌کند.
2. تنهائی است که شخص گناهکار در دل میان خود و پروردگار ملاحظه می‌کند و اصلاً همراه با لذتی نیست.
3. تنهائی است که عاصی در بین خود و مردم بخصوص صالحان و نیکوکاران احساس می‌کند.
4. دشواری کار: به هر دری می‌زند بر رویش بسته است یا با دشواری روبرو است.
5. تاریکی است که در دل احساس می‌کند، و دل و جانش با آن ناتوان می‌شود، و او را از اطاعت محروم می‌کند.
6. گناهان عمر انسان را کوتاه می‌کند، و «پناه به خدا» برکت عمر را تا ابد محو می‌کند.
7. گناهان تولید‌ مثل می‌کنند، و برخی گناه دیگری را می‌رویاند، تا جای که بر انسان فایق می‌آید و انسان نمی‌تواند از آن جدا شود.
8. از ترسناک‌ترین اثر گناه بر انسان: این است اراده قلبی را سست می‌کند و گناه برتری می‌یابد و توبه کردن سست می‌شود.
9. دل و درونش با گناه خو می‌گیرد، به شیو‌ه‌ای که گناه برایش عادی می‌شود و به گناه افتخار نموده و از آن دوری نمی‌کند.
10. شعله غیرت در دل را خاموش می‌‌کند، و حیا – اکسیر حیات دل – را از بین می‌برد.
11. انسان را مورد نفرین پیامبر ص قرار می‌دهد.
12. محروم بودن گناهکار از دعای پیامبر ص و ملائکه کرام که برای مؤمنان طلب آمرزش می‌کنند.

گناه باعث می‌شود تا پروردگار بنده‌اش را فراموش کند، و این فراموشی هلاکت است: ﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ١٩﴾ [الحشر: 19].

«و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، (فرمان‌های او را ترک کردند، یا از او نترسیدند) و خدا نیز آن‌ها را به خود فراموشی گرفتار کرد (به سبب این که خدا را در آسوده‌ حالی و نعمت فراموش کردند او نیز آنان را در سختی‌ها دچار خودفراموشی گردانید)، آن‌ها فاسقانند».

اگر گناهان زیاد شود بر دل عاصی نقش می‌بندد، و جزو غافلان می‌شود: ﴿كَلَّاۖ بَلۡۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ١٤﴾ [المطففين: 14].

«چنین نیست که آن‌ها می‌پندارند، بلکه اعمال‌شان چون زنگاری بر دل‌هاشان نشسته».

1. و از کیفر گناهان: ترس و وحشتی است که خداوند در دل گناهکار قرار می‌دهد، چون فرمانبرداری قلعه محکم پروردگار است.
2. انسان را در هنگام سختی و سیه‌روزی هراسان می‌کند، و بخصوص در هنگام مرگ عاقبت شوم دارد[[52]](#footnote-52).

آثار ترک گناهان در دنیا:

ابن قیم می‌گوید[[53]](#footnote-53): (برخی از آثار ترک گناه عبارتند از: زنده شدن مردانگی، حفظ ناموس، حفظ شخصیت و مقام، حفظ ثروت «خداوند ثروت را پایه مصلحت دنیا و آخرت قرار داده است»، محبت مردم، زندگی شایسته، آسایش جسمی، دل‌خوشی، آسودگی خاطر، دغدغه نبودن، بی‌خیالی از وحشت فاسقان و فاجران، فقدان غم و غصه، اطمینان دل از نبود ذلت، محافظت کردن روشنائی دل از نابودی تاریکی گناه، فزونی روزی به شیوه‌ای که قابل شمارش نیست، آسان بودن آنچه که بر فاسقان و گناهکاران سخت است، آسان بودن عبادات، آسان بودن یادگیری، نام نیکو در بین مردم، دعای خیر مردم برای وی، شیرینی و حلاوت در چهره، وقار و عظمت در دل مردم، مردم او را یاری می‌کنند، اگر اذیت شود یا مورد ظلم قرار گیرد مردم از او حمایت می‌کنند، و اگر کسی او را غیبت کند مردم از او دفاع می‌کنند، دعایش زود اجابت می‌شود، از بین رفتن وحشتی که در بین او و خداوند بوده است، نزدیکی فرشتگان به وی، دور شدن شیاطین جن و انسان از وی، رقابت مردم باهم در خدمت‌رسانی به او، و تقاضای مردم به نزدیکی و محبت وی، نهراسیدن از مرگ، بلکه با فرارسیدن مرگ خوشحال می‌شود چون به حضور و دیدار پروردگار می‌رسد، حقارت دنیا در درونش، عظمت آخرت در نزدش، حرص بر یافتن مقام شایسته و سرافرازی بزرگ در آخرت، چشیدن شیرینی عبادت، احساس شیرینی ایمان، دعای حاملان عرش و فرشتگان اطراف آن برای وی، خوشحالی کاتبان کردار او، و دعای خیر برای وی در هر حالی، افزایش در عقل و فهم و ایمان و شناخت وی، بدست آوردن محبت خداوند، توجه پروردگار به او، و خوشحالی پروردگار به توبه و بازگشت وی).

آثار ترک گناهان به هنگام مرگ:

فرشتگان به هنگام مرگ او را ملاقات نموده به او مژده می‌دهند که خداوند بهشت را برای او آماده کرده است، و می‌گویند غمگین و محزون مباش، و از زندان و تنگنای دنیا به باغی از باغ‌هاى بهشت انتقال می‌یابد و تا روز قیامت در آنجا در ناز و نعمت باقی می‌مانند.

آثار ترک گناهان در روز قیامت

هنگامی که روز قیامت می‌آید گرما و عرق مردم را فرامی‌گیرد، در حالی که آن شخص زیر سایه عرش قرار می‌گیرد و با اولیاء و متقین و رستگاران در دسته اصحاب الیمین قرار می‌گیرند: ﴿ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ٤﴾ [الجمعة: 4].

«این فضل خداست که به هرکس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد، و خداوند صاحب فضل عظیم است»[[54]](#footnote-54).

خوشا به حال کسی که گناه را ترک می‌کند، و چنانچه حسن بصری/ می‌گوید: (ای آدم‌ها گناه ترک کردن از توبه کردن آسان‌تر است)[[55]](#footnote-55).

🟔🏵🟔🏵🟔

فصل ششم:  
«توبه و شرایط آن»

توبه انسان با سه شرط پذیرفته می‌شود:

1. ندم بر گناه.
2. اقلاع از گناه.
3. عزم بر بازنگشتن به گناه، و اگر توبه از حق دیگران باشد باید حق مردم را پس دهد، و باید توبه کردن پیش از فوت وقت و زمان باشد.

امام ابن قیم/ می‌گوید: (منظور از ندم: یعنی از گناهان پیشین پشیمان شود، و منظور از اقلاع: یعنی فوراً از گناه دوری کند، و منظور از عزم: یعنی تصمیم بگیرد در آینده باز نگردد[[56]](#footnote-56). پیامبر ص می‌فرماید: «هر انسانی خطاکار است و بهترین خطاکاران کسی است که توبه می‌کند»[[57]](#footnote-57).

پس باید انسان فوراً اقدام به توبه نماید، امام غزالی/ می‌گوید: (چنانچه کسی که سمی بخورد و پشیمان شود باید فوراً اقدام به خارج کردن سم از معده کند، پس کسی که گناه «سموم دین» انجام می‌دهد شایسته‌تر است که فوراً از گناه دوری کند)[[58]](#footnote-58).

حسن بصری/ می‌گوید: (اهتمام انسان به گناه او را وادار به ترک گناه می‌کند، و پشیمانی از گناه کلید توبه است، و انسان همچنان به گناه اهتمام می‌دهد تا جای که آن گناه از برخی نیکی‌ها برای او سودمند‌تر است)[[59]](#footnote-59).

بکر بن عبدالله المزنی/ می‌گوید: (اعمال بنی‌آدم به آسمان بالا می‌رود، و اگر نامه عملی بالا رود و در آن استغفار باشد نامه اعمالش درخشان است، و اگر نامه عملی بالا رود و در آن استغفاری نباشد بصورت سیاه بالا می‌رود)[[60]](#footnote-60).

استغفار صفت مسلمان است، پیامبر ص می‌فرماید: «مؤمن به مانند خوشه گندمی می‌ماند یک بار راست می‌ایستد و یکبار خم می‌شود، و کافر به مانند برنجی ماند تا خمیدگی راست ایستاده است و از خود خبری ندارد[[61]](#footnote-61).

پیامبر ص می‌فرماید: «ای مردم بسوی خدا بازگردید و توبه و استغفار کنید، من هر روزه یکصد بار توبه و استغفار می‌کنم»[[62]](#footnote-62). هنگامی که پیامبرص - در حالی که پروردگار گناهان گذشته و آینده او را بخشیده و عفو کرده است - در روز صد بار استغفار می‌کند، پس ما که در باتلاق گناه غرق شده‌ایم باید چگونه باشیم؟

ملاحظه کن چقدر پروردگار به توبه بنده‌اش - در حالی که نفع و ضرری به او نمی‌رساند - خوشحال است، پیامبرص می‌فرماید: «خدا از توبه بنده‌اش آنگاه که توبه می‌کند خوشحال‌تر از کسی است اگر در دشت فلاتی سوار بر شتری باشد، و شترش گم شود - در حالی که غذا و آب بر روی شتر باشد - و به دنبال آن بگردد و از آن مأیوس شود، و به کنار درختی می‌رود و در سایه آن دراز کشیده و منتظر مرگ می‌شود، و ناگاه چشم را باز می‌کند شترش را می‌بیند، و افسار آن را می‌گیرد، و در نهایت خوشحالی می‌گوید: «خدایا تو بنده من هستی، و من خدای تو هستم، و از شدت خوشحالی اشتباه می‌کند»[[63]](#footnote-63).

پس واجب است انسان فوراً توبه نماید، چون تأخیر توبه ذاتاً احتیاج به توبه دارد، ابن قیم/ می‌گوید: «به ندرت این، به فکر توبه‌کننده برسد، بلکه می‌پندارد: اگر هر زمانی توبه کند، گناهی بر وی باقی نمی‌ماند، در حالی که توبه‌ى تأخیر از توبه، بر وی باقی می‌ماند[[64]](#footnote-64).

شیخ الاسلام ابن تیمیه/: مى‌گوید: فکرم در خاطره‌اى، یا مسأله‌اى، یا چیزى دیگر و یا مشکلى متوقف مى‌شود و نمى‌توانم آن را بدانم، در این حال هزار مرتبه و یا بیشتر و یا کمتر استغفار مى‌کنم تا اینکه سینه‌ام به این‌ها گشاده شود و مشکلم حل گردد، و ممکن است در این حال در بازار، یا مسجد، یا مدرسه، باشم، و هیچ چیز مانع نمى‌شود که ذکر و استغفار کنم تا مطلوبم را بیابم)[[65]](#footnote-65).

و ترسناک‌ترین چیز بر انسان هوای نفس است، چون شخص را بی‌خبر هلاک می‌کند. در حدیث آمده که ابلیس گفته است: بنی‌آدم را با گناه نابود می‌کنم، و آن‌ها مرا به استغفار و «لا إله الا الله» نابود می‌کنند، وقتی که درمانده و شکست خورده شدم هوی و هوس را در بین آن‌ها می‌گسترانم، و چون می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند در نتیجه توبه و استغفار نمی‌کنند.

و آنچه آن‌ها را از توبه‌کردن منع کرد، چنانچه یحیی ‌بن معاذ/ می‌گوید: (آرزوی طولانی است، و نشانه توبه‌کننده: ریختن اشک، و محبت گوشه‌نشینی، و محاسبه نفس در هر تصمیمی است)[[66]](#footnote-66).

و اگر این نشانه وجود نداشته باشد استدراج است، عقبه ‌بن نافعس می‌گوید: پیامبر ص فرمودند: «اگر کسی را دیدید که هر چه دوست داشت خداوند به او عطا می‌کند، و همچنان بر گناه باقی مانده، این نعمت‌ها استدراج است»[[67]](#footnote-67).

ابوموسیس می‌گوید پیامبر ص فرمودند: (خداوند به ظالم مهلت می‌دهد تا او را می‌گیرد و اگر او را گرفت رهایش نمی‌کند، سپس این آیه را خواند: ﴿وَكَذَٰلِكَ أَخۡذُ رَبِّكَ إِذَآ أَخَذَ ٱلۡقُرَىٰ وَهِيَ ظَٰلِمَةٌۚ إِنَّ أَخۡذَهُۥٓ أَلِيمٞ شَدِيدٌ١٠٢﴾ [هود: 102].

«و این‌چنین است مجازات پروردگار تو، هنگامى که شهرها و آبادی‌هاى ظالم را مجازات مى‏کند! (آرى،) مجازات او، دردناک و شدید است»[[68]](#footnote-68).

پس لازم است توبه نصوح براى تمام اعضا بدن باشد، محاسبی/ می‌گوید:

(توبه چشم: خودداری از نگریستن نامحرم).

(توبه گوش: از شنیدن حرام).

(توبه دست: خودداری از گرفتن حرام).

(توبه پاها: خودداری از رفتن به سوی حرام).

(توبه شرمگاه: حفظ شرمگاه از زنا).

(و بدین‌سان تمام اعضا حتی عقل نیز توبه دارد، و توبه آن فکر نکردن حرام است، و زبان نیز توبه دارد، و توبه آن فرانخواندن به کردار زشت است)[[69]](#footnote-69).

گناهان مانع عبادت می‌شوند، چنانچه حسن بصری/ می‌گوید: (اگر توانائی شب‌بیداری و روزه‌داری نداشتنی بدانید که محروم هستید. حتماً خطا و گناهان تو را بند و زنجیر کرده‌اند)[[70]](#footnote-70).

عبدالله ‌بن المبارک/ می‌گوید: (کسی که در تربیت نیکو سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از سنت مجازات می‌شود، و کسی در رعایت سنت سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از فرائض مجازات می‌شود، و کسی که به فرائض سهل‌انگار باشد، به محروم بودن از شناخت و معرفت مجازات می‌شود) [[71]](#footnote-71).

اگر عبادت انجام داده باشید گناهان تو را از لذتش محروم می‌کند، از وهب ‌بن منبه/ پرسیدند: آیا کسی که گناه می‌کند لذت عبادت را احساس می‌کند؟ فرمود: (خیر[[72]](#footnote-72)، حتی کسی که تصمیم به انجام گناه بگیرد نیز همینطور است).

امام احمد/ انسان را به هنگام گناه به کسی تشبیه می‌کند که در مرداب راه می‌رود، و با ترس قدم برمی‌دارد، ناگاه پایش فرود می‌رود، و غرق می‌شود، و به یارانش فرمود: (انسان همیشه به این صورت از گناه حذر می‌کند تا وقتی که در گناه افتاد، و اگر گرفتار گناه شد غرق می‌شود)[[73]](#footnote-73).

حذر! حذر! از گناهان صغیره، امام غزالی/ می‌گوید: (گناه کبیره‌ای که سپری ‌شدنی باشد و به دنبال آن کبیره‌ای دیگری نیاید امید گذشت و عفو آن بیشتر از گناه صغیره‌ای است که انسان بر آن دوام داشته باشد، چون اگر آب بر سنگی بصورت قطرات همیشگی چکیده شود در آن اثر می‌گذارد، ولی اگر تمام آن قطره بصورت یک بار بر آن سنگ ریخته شود در آن اثری نمی‌گذارد)[[74]](#footnote-74)، به همین سبب پیامبرص می‌فرماید: «بهترین اعمال بادوام‌ترین آن است هرچند هم ناچیز باشد»[[75]](#footnote-75).

ابن قیم/ می‌گوید: (اصرار بر گناه کردن، گناه است، و به فکر ترک گناه نباشد، رضایت و تکیه بر گناه و دوام بر آن محسوب می شود، و این نشانه هلاکت اوست)[[76]](#footnote-76).

و معنای اصرار در اینجا چنانچه محاسبی/ می‌گوید این است: (شیرینی گناه در دل باقی بماند)[[77]](#footnote-77).

ماوردی/ می‌گوید: (خندانی که به گناه اعتراف می‌کند بهتر از گریه‌کننده‌ای است که بر پروردگار بی‌پروا است، و گریه‌کنند‌ه‌ای که بر گناه خویش پشیمان است بهتر از خندانی است که اعتراف به لهو می‌کند)[[78]](#footnote-78).

🟔🏵🟔🏵🟔

فصل هفتم:  
پاک‌کننده‌های گناه

آگاه باش – خدا به ما و شما و هر مسلمانی رحم کند – برای دور ساختن آثار شوم گناه – چنانچه قبلاً ذکر کردیم – توبه محض کافی نیست، بلکه پاک‌کننده‌های می‌خواهد تا بصورت کامل پاک شود، مانند پاک کردن ظرفی که سگ آن را نجس کرده است!، پیامبر ص می‌فرماید: «اگر سگ زبان خود را در ظرفی فروکرد (لیسید) آن را هفت بار بشوئید و برای بار هشتم آن را خاک‌آلود کنید»[[79]](#footnote-79).

ابن رجب می‌گوید: (موارد زیر گناه را پاک می‌کند:

توبه نصوح: قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ٥٣﴾ [الزمر: 53].

«خدا همه گناهان را مى‏آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

1. استغفار: در حدیث آمده: «اگر شما گناه نکنید خداوند شما را از بین می‌برد و کسانی را بجای شما می‌آورد تا گناه انجام دهند، سپس از پروردگار طلب آمرزش کنند و پروردگار آن‌ها را عفو نماید»[[80]](#footnote-80).

حسنات محو‌کننده: قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلۡحَسَنَٰتِ يُذۡهِبۡنَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِۚ﴾ [هود: 114].

«حسنات، سیئات (و آثار آن‌ها را) از بین مى‏برند».

و از جمله آن کار نیک و صدقه است.

1. دعای مؤمن برای مؤمن: مانند طلب استغفار مؤمن برای مؤمن و نماز بر جنازه، تا برایش شفاعت کنند..
2. شفاعت پیامبر ص: در حدیث صحیحی پیامبر ص می‌فرماید: «شفاعت من برای صاحبان کبیره از امتم است»[[81]](#footnote-81).
3. مصیبت‌های که پاک‌کننده‌ در دنیا هستند: «هیچ غم و مشکل و بیماری به کسی نمی‌رسد جز اینکه خداوند بواسطه آن گناهی از گناهان او را می‌آمرزد»[[82]](#footnote-82). به شرطی که بر آن صبر داشته باشد.
4. رحمت و عفو پروردگار: بدون سببى و انجام کارى از طرف بنده.

ابن رجب می‌گوید: (هر کسی این هفت چیز را فراموش کند کسی را جز خویش سرزنش نکند)[[83]](#footnote-83).

1. خاک ریختن قبر: شیخ ابن تیمیه/ می‌گوید: (آنچه برای او از فتنه و فشار و ترس و سختی روز قیامت و ناراحتی در قبر رخ می‌دهد)[[84]](#footnote-84).

چگونه خود را از فکر گناه محافظت می‌کنید؟

ابن قیم/ می‌گوید[[85]](#footnote-85): موارد زیر شما را از فکر گناه محافظت می‌کند:

1. یقین داشتن به اینکه خداوند آگاه و ناظر قلب و عمل و فکر شماست.
2. حیاء و شرم از خدا.
3. شرم از اینکه پروردگار در - خاکی که برای شناخت و معرفت خویش آفریده - فکر گناه را در آن از شما مشاهده کند.
4. رس از اینکه چنین فکری تو را از توجه و چشم خدا دور کند.
5. ترس از اینکه چنین فکری محبت غیر خدا را در قلب ایجاد کند.
6. ترس از اینکه چنین فکری تولید ‌مثل کند و شراره آن گسترده شود، و هر چه ایمان و محبت خدا در دل است را بسوزاند.
7. دانستن این که: فکر گناه مانند دانه‌های گندمی است که صیاد برای صید پرندگان روی زمین پخش می‌کند.
8. دانستن این که: فکر پلید با فکر ایمان در یک قلب جمع نمی‌شوند، مگر اینکه یکی بر دیگری غالب می‌شود.
9. دانستن این که: چنین فکرهای دریائی از دریای خیال است و ساحلی ندارد، و اگر وارد قلب شد غوطه‌ور و غرق می‌شود.
10. دانستن این که: چنین فکری دره احمقان و آرزوی جاهلان است، و برای صاحبش جز پشیمانی چیزی بدنبال ندارد.

هنگامی که در چنین فکرهای – خدا نکرده –غرق شدی، به این قصه درباره انوشیروان – پادشاه فارس – گوش فرادهید:

روزی انوشیروان به قصد شکار از شهر بیرون رفت و شتابان پیش رفت، و از لشکر دور شد، و سخت تشنه شد، و به باغی رسید و وارد باغ شد، و کودکی آنجا بود به او گفت: ای پسر اناری به من بده، اناری به او داد، و انار را باز کرد و دانه‌های آن را خارج و فشار داد، آب زیادی از آن خارج شد و نوشید، آن انار او را شگفت‌زده کرد، تصمیم گرفت باغ را از صاحب آن بگیرید، سپس به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری دیگر به او داد، انار را فشار داد، آب ناچیزی از آن بیرون آمد و آن را نوشید و مزه تلخی داشت! انوشیروان گفت: ای پسر چرا انار این طور است؟ گفت: شاید پادشاه مملکت تصمیم به ظلم گرفته است و بخاطر شوم بودن ظلم انار این طور شده است، انوشیروان در دل از چنین تصمیمی پشیمان شد و توبه کرد، و به کودک گفت: انار دیگری بده، و اناری به او داد، انوشیروان مشاهده کرد که از انار نخستین بهتر است! گفت: ای پسر این چرا؟ گفت: شاید پادشاه مملکت توبه کرده باشد!

فخر رازی بر این قصه تعلیق گذاشته و گفته است: البته نام انوشیروان در دنیا به عدالت باقی مانده است حتی برخی از پیامبر ص روایت می‌کنند که فرموده‌اند: «در زمان پادشاه عادل به دنیا آمده است»[[86]](#footnote-86).

امان! امان از گناه، بخصوص گناه خلوت‌نشینی، ثوبانس از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمودند: «برخی از امتم را می‌شناسم در روز قیامت اعمالی نیک مانند کوه‌های تهامه را با خود می‌آورند، خداوند آن را نابود می‌کند». ثوبانس گفت: یا رسول ‌الله آن‌ها را معرفی کن؟ کی هستند؟ نکند ما از آن‌ها باشیم و بی‌خبریم، پیامبر ص فرمود: «آن‌ها برادران شما و هم جنس شما هستند، و آنچه شما در آشکار انجام می‌دهید آن‌ها نیز انجام می‌دهند، ولی اگر در خلوت قرار می‌گیرند مرتکب گناه و معصیت می‌شوند»[[87]](#footnote-87).

ابودرداءس می‌گوید پیامبر ص فرمودند: (انسان باید از نفرین قلبی مؤمنان – در حالی که بی‌خبرست – بیمناک باشد! سپس گفت: آیا می‌دانید چه کسی؟ عرض کردم خیر، فرمود: انسان در خلوتگاه گناه انجام می‌دهد، پروردگار کینه او را – در حالی که بی‌خبر است – در دل مؤمنان قرار می‌دهد)[[88]](#footnote-88).

بدین سبب ابن جوزی/ می‌گوید: «آگاه باش: از جمله بزرگ‌ترین بدبختی‌ها گول خوردن به سلامتی پس از گناه است، چون کیفر واقع می‌شود، و از بزرگ‌ترین کیفر و مجازات این است که انسان بی خبر است: در حالیکه گناه در ریشه دین و دل‌ها اثرگذار است- پناه به خدا -.

🟔🏵🟔🏵🟔

فصل هشتم:  
کیفر و عقاب گناه - گرچه پس از مدتی هم باشد - واقع می‌شود:

تردیدی نیست که جزای عمل چه نیک، چه بد واقع خواهد شد، و از جمله گول‌ خوردگی این است که گناهکار می‌پندارد چون مجازاتی ندیده آمرزیده شده است، و چه بسا مجازات پس از مدتی، یا در آخرت واقع می‌شود، و به ندرت کسی گناهی کرده باشد و مجازات نشده باشد، پس لازم است! انسان مواظب کیفر گناه باشد، چون به ندرت از آن رهایی می‌یابد، و باید فوراً اقدام به توبه نماید، در روایت آمده: (هیچ چیزی زود به چیزی دیگر مانند حسنه جدید به گناه قدیمی الصاق نمی‌شود). و همراه با توبه گناهکار باید از مجازات پیش‌بینی شده بیمناک باشد، خدا با شفاعت توبه پیامبران پیشین را پذیرفت، آدم÷ می‌گوید: گناهم، و ابراهیم و موسیإ می‌گویند: گناهم.

اگر کسی بگوید این آیه: ﴿مَن يَعۡمَلۡ سُوٓءٗا يُجۡزَ بِهِۦ﴾ [النساء: 123][[89]](#footnote-89).

«هر کس عمل بدى انجام دهد، کیفر داده مى‏شود».

مقتضی این است که از گناهکار چشم‌پوشی نمی‌شود، در حالی که می‌دانیم توبه مورد پذیرش قرار می‌گیرد، و از خطا گناهکار چشم ‌پوشی می‌شود، پس چه جوابی دارد؟

دو جواب داده‌اند: 1- این آیه بر گناهکاری حمل می‌شود که بر گناه مصر بوده و توبه نکرده باشد، چون توبه ماقبلش را پاک می‌کند.

2- به صورت اطلاق است (و این نظر ابن جوزی است، و قابل توجیه است) و ابن جوزی دلیل نقلی و عقلی آورده است.

دلیل نقلی: هنگامی که این آیه نازل شد ابوبکرس گفت: ای پیامبر خدا ص آیا به هر گناهی مجازات می‌شویم؟ پیامبر ص فرمودند: «آیا بیمار نمی‌شوی، آیا غمگین نمی‌شوی، آیا سختی طاقت‌فرسا نداشتی؟ این کیفر شما بوده است».

دلیل عقلی: هنگامی که مؤمن پشیمان شود و توبه نماید افسوس او در هر لحظه بر گناه از هر مجازاتی سخت‌تر است، پس وای بر کسانی که تلخی مجازات دائمی را می‌شناسد، و لذت لحظه‌ای گناه را برمی‌گزیند!

اغفال شدن به رحمت خداوند جهل است:

برخی مردم به رحمت خداوند اغفال می‌شوند، و تنها رحمت خداوند را مشاهده می‌کنند، و فراموش می‌کنند که خداوند (شدید‌العقاب) است.

ابوعمرو بن العلاء می‌گوید: فررزدق به نزد جماعتی که باهم درباره رحمت خداوند گفتگو می‌کردند نشست، و فررزدق از همه آن‌ها امید و رجاء بیشتر داشت، به او گفتند: چرا به زنان پاکدامن تهمت می‌زنید؟ گفت: به من بگوئید اگر مانند نافرمانی پروردگار با پدر و مادرم انجام دهم آیا فکر می‌کنید آن‌ها از ته دل دوست داشته باشند مرا به تنور مملو از آتش بیاندازند؟ گفتند: خیر، بلکه تو را عفو می‌کنند. گفت من به رحمت پروردگار از پدر و مادر بیشتر امیدوارم!

ابن جوزی در تعلیقی بر این قصه می‌گوید[[90]](#footnote-90): این نادانی محض است، چون رحمت پروردگار بشیوه لطافت و ملایمت قلبی نیست، و اگر این طور بود پرنده‌ای ذبح نمی‌گردید، و بچه‌ای نمی‌مرد، و کسی وارد جهنم نمی‌شد، اشتباه فررزدق از دو جهت است:

1. فررزدق فقط به جانب رحمت توجه کرده، و به عقاب و کیفر توجه نکرده است.
2. فراموش کرده که رحمت فقط برای توبه ‌کنندگان است چنانچه قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٞ لِّمَن تَابَ﴾ [طه: 82].

«و من برای کسی که توبه کند بسیار آمرزنده هستم».

و در آیه دیگر: ﴿وَرَحۡمَتِي وَسِعَتۡ كُلَّ شَيۡءٖۚ فَسَأَكۡتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ﴾ [الأعراف: 156].

«و رحمت و مهربانی من شامل هر چیزی است و کسانی که تقوا پیشه کنند رحمت من برای آن‌ها حتمی و مخصوص آن‌هاست».

و امروزه اگر جوانی مرتکب گناهی می‌شود از برخی مردم شنیده می‌شود که می‌گویند: آن‌ها جوان هستند، و خدا آمرزنده و مهربان است، و فراموش می‌کنند: که خدا شدید العقاب است.

🟔🏵🟔🏵🟔

فصل نهم:  
راه رهائی از گناهان شوم

درباره شوم بودن گناه و آثار مخرب آن بر فرد و جامعه بحث کردیم، و این به معنای نامیدی از رحمت خدا نیست، بلکه بیدار کردن بر خطرات گناه و رابطه دائمی با پروردگار است.

ابوهریرهس می‌گوید: پیامبر ص به نقل از پروردگار(در حدیث قدسى) فرمودند: «بنده‌ام گناهی کرد سپس گفت: خدایا مرا عفو کن، خداوند ‌می‌فرماید: بنده‌‌ام گناه کرد و می‌داند خدایی دارد و مجازات می‌کند، و او را می‌بخشد، سپس دوباره گناه می‌کند و می‌گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می‌فرماید: بنده‌‌ام گناه کرد و می‌داند خدای دارد و مجازات می‌کند، و او را می‌بخشد، سپس دوباره گناه می‌کند و می‌گوید: خدایا مرا عفو کن، خداوند می‌فرماید: بنده‌‌ام گناه کرد و می‌داند خدای دارد و مجازات می‌کند، و او را می‌بخشد، خداوند می‌فرماید: آنچه می‌خواهید انجام بده تو را بخشیدم»[[91]](#footnote-91).

معنای حدیث این است جز گمراهان کسی از رحمت خدا ناامید نمی‌شود، و انسان هر چه گناه انجام داده باشد نباید از رحمت خداوند مأیوس باشد، و ارتباط و ذکر همیشگی پروردگار سبب عفو و بخشش گناهان است، و یکی از صفات پروردگار (غفور و تواب) است، و در آن دو صفت دلالت بر وسعت رحمت و مغفرت پروردگار است، ولیکن باید انسان عاقل همیشه از گناهان بیم داشته باشد، هرچند هم توبه کرده باشد، چون اطلاعی از پذیرش توبه ندارد.

ابن جوزی/ می‌گوید[[92]](#footnote-92): (بسیاری مردم را دیده‌ام به پذیرش توبه اطمینان و باور کرده‌اند و گویا یقین دارند، و این جز خدا کسی نمی‌داند، سپس اگر توبه مورد پذیرش واقع شده باشد، خجالت از انجام گناه همیشه ماندگار است، و ترس پس از توبه مورد تأیید است، چنانچه در صحاح آمده: مردم به نزد آدم÷ می‌روند، آدم می‌گوید: گناهم، و به نزد نوح، ابراهیم، عیسی[[93]](#footnote-93)† می‌روند، و همگی می‌گویند: گناهم.

گناه پیامبران در واقع گناه نیست، و با وصف آن توبه کرده‌اند و پوزش طلبید‌ه‌اند، و پس از آن هم بیمناک بوده‌‌اند، و خجالت پس از توبه از بین نمی‌رود، چه زیباست فرموده فضیل بن عیاض/: «چقدر شرمسارم از تو ای خدایا، هرچند مرا ببخشید، به خدا سوگند بدبختی برای کسی است که گناه می‌کند و لذت لحظه‌ای را برمی‌گزیند، چون گناه حسرتی بجا می‌گذارد، هرچند هم مورد عفو قرار گیرد، هیچ وقت از دل انسان جدا نمی‌شود»[[94]](#footnote-94).

هنگامی که انسان از گناه کردن بیمناک باشد، و عمل نیک و حسنات محو‌کننده گناه انجام دهد، گناهان پیشین او باعث ورودش به بهشت می‌شود: اما چگونه است؟ ابراهیم بن أدهم در تفسیر این آیه:[[95]](#footnote-95) ﴿وَلِمَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ٤٦﴾ [الرحمن: 46].

«و براى کسى که از ایستادن در پیشگاه پروردگارش ترسیده (و به اوامر و نواهى او عمل کرده)، دو باغ بهشتى است!».

می‌فرماید: (اگر بخواهد گناهی انجام دهد از ترس خدا پرهیز می‌کند)، حسنس می‌گوید: پیامبر ص فرمودند: (انسان گناهی انجام می‌دهد و بواسطه آن خداوند او را به بهشت وارد می‌کند، صحابه گفتند: ای پیامبر خدا چگونه وارد بهشت می‌شود؟ فرمود: در برابر چشمش (گریزان و توبه‌کنان) است تا او را به بهشت وارد می‌کند)[[96]](#footnote-96).

عرض سعید/ کردند: عابدترین انسان کیست؟ گفت: (کسی است مرتکب گناه شده است و هر گاه گناهش را به یاد می‌آورد عملش را ناچیز می‌شمارد)[[97]](#footnote-97).

پس اگر خواستى از گناهان رهایى یابى خود را به استغفار تسمک جو، و اعمال نیک انجام بده، و از گناهانت بترس، و از خدا خاتمه نیکو آرزو کن.

و با این قصه بحث را به پایان می‌برم: سفیان ثوری/ شبی تا صبح گریه کرد، و هنگامی که صبح شد کسی به او گفت: آیا این همه بخاطر ترس از گناه است؟ کاهی را از زمین برداشت و گفت: گناه از این آسان‌تر است، بلکه من بخاطر عاقبت و پایان بد گریه می‌کنم: ابن قیم/ در هامش این قصه می‌گوید: (این نهایت دانش است که انسان بیم داشته باشد گناه در هنگام مرگ او را بدبخت کند، و عاقبت نیکو را به عاقبت بد تغییر دهد)[[98]](#footnote-98).

فصل دهم:  
گناهانی که باید از آن پرهیز شود، و پیامبر**ص** در حديث صحيح از آن نهی فرموده است

1. تکبر:کسی که به اندازه ذره‌ای تکبر در دل داشته باشد وارد بهشت نمی‌شود.
2. ریا:کسی که خود را در بین مردم بزرگ جلوه دهد خداوند در قیامت او را شرمسار می‌کند، و هرکس ریا نماید خداوند اسرارش را فاش می‌کند.
3. طلب علم بخاطر دنیا: اگر کسی علمی یاد بگیرد – و از علومی باشد که بخاطر خشنودى رضایت خدا بکار رود – و هدف از یادگیری آن، بدست آوردن دنیا باشد، بوی خوش بهشت را استشمام نمی‌کند.
4. عمل برای مردم:خداوند می‌فرماید: من از هر کسی به شرک بی‌نیازترم، هر کسی کاری برای من انجام بدهد و غیر من نیز منظورش باشد او را با شرکش تنها می‌گذارم.
5. ترک نماز عصر و جمعه: «هر کسی نماز عصر را ترک کند عملش بیهوده مى‌ماند». «هر کسی سه جمعه را از روی سهل‌انگاری ترک کند خداوند مهر بر قلبش می‌زند».
6. کوتاهی در نماز: «پیمان بین ما و کافران نماز است، هرکس آن را ترک نماید کافر است». «مرز بین کفر و شرک ترک نماز است».
7. منع زكات: صاحب طلا و نقره‌اى که زکات آنرا نپردازد، روز قیامت ورقه‌هاى آهنى را در آتش جهنم گداخته شده و بر جنب و پیشانی و کمرش مى‌کشند، هر وقت سرد شد بار دیگر بر او کشیده مى‌شود، در روزى که مدت آن پنجاه هزار سال است، تا اینکه بین خلایق حساب و قضاوت شود، و ببیند که او از اهل آتش است یا از اهل بهشت.
8. جاسوسی: کسی که به سخن مردم گوش فرادهد – در حالی که دوست ندارند یا از او دوری می‌کنند – در روز قیامت فولاد گداخته به گوشش می‌ریزند.
9. نمامّی: «نمامّ وارد بهشت نمی‌شود» نمامّ: سخن‌چین است.
10. غیبت: «نام بردن کسی به چیزی است که دوست ندارد» پیامبرص می‌فرماید: «در شب معراج جماعتی را دیدم ناخن‌های فولادی داشتند و با آن صورت و سینه خود را می‌شکافتند، گفتم: ای جبرئیل این‌ها کی هستند؟ گفت: این‌ها کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خوردند – کنایه از غیبت – و بدگوئی آبرو و حیثیت دیگران می‌کردند».
11. نفرین کردن: «نفرین کردن مؤمن مانند کشتن وی است». «نفرین‌کنندگان در روز قیامت نمی‌توانند شفاعت‌کننده و شاهد باشند».
12. حسادت: از حسد ورزیدن پرهیز کنید چنانچه آتش هیزم را می‌سوزاند، حسادت نیز حسنات را نابود می‌کند.
13. تکفیر مسلمان: هر کسی به برادر مسلمانش بگوید: ای کافر، این کلمه به یکی از آن‌ها برمی‌گردد، اگر آن شخص کافر باشد به او برمی‌گردد، و در غیر این صورت به گوینده برمی‌گردد.
14. ترساندن مؤمن: «برای هیچ مسلمانی جایز نیست مسلمانی را بترساند» اگر کسی آهن یا چیز برنده‌ای را رو به برادر مسلمانش بگیرد، تا دست از آن کار برمی‌دارد فرشتگان او را نفرین می‌کنند.
15. افشاء راز: پست‌ترین انسان در روز قیامت کسی است که با همسرش خلوت می‌کند و سپس رازهای بین هم را نزد کسی بازگو می‌کند.
16. ربا و سود: پیامبر ص رباخوار و ربادهنده را لعن فرمودند: «اگر کسی با علم و آگاهی یک درهم رباخواری کند شدیدتر از 36 زناست».
17. عادت به شراب: پنج دسته وارد بهشت نمی‌شوند: کسی که به شراب‌خواری عادت گرفته است، کسی که به سحر باور دارد، کسی که صله رحم را بجا نمی‌آورد، کاهن، منت‌گذار.
18. از خانه بیرون رفتن زنی که خود را عطرآگین کرده است: هر چشمی زنا می‌کند، اگر زنی خود را عطرآگین نماید و از کنار جمعی – مرد – عبور نماید زناکار است.
19. نظر حرام: خدا بر انسان در هر چیزی زنایى قرار داده است، و خواهه یا نخواهد آن را می‌یابد، زنای چشم تماشای نامحرم است، و زنای گوش شنیدن حرام است، و زنای زبان سخن حرام است، و زنای دست‌ها .... قلب هوس و آرزو می‌کند، و شرمگاه گاهی آن را تأیید، و گاهی رد می‌کند.
20. خلوت با زن نامحرم: هیچ کدام از شما با زنی نامحرم خلوت نکند. چون نفر سومى آن‌ها شیطان است.
21. هم‌جنس‌بازی (لواط):«خدا کسی را که عمل قوم لوط انجام می‌دهد نفرین کرده است». «اگر کسی را یافتید که عمل قوم لوط را انجام داد هم فاعل و هم مفعول را به قتل برسانید».
22. زنا کردن: «... با آن‌ها رفتم خانه‌ای را دیدم بر روی تنوری ساخته بودند از طرف بالا تنگ و از طرف پائین واسع بود، و آتش در آن افروخته بودند، و مردان و زنانی لخت در آنجا بودند، هنگامی که آتش شعله‌ور می‌گردید از آنجا بلند می‌شدند تا جای که نزدیک بود خارج شوند، و اگر خاموش می‌گردید دوباره برمی‌گشتند، پرسیدم: آن‌ها کی هستند؟ «سپس گفت: آن‌هائی که در تنور دیدى ؛ زناکاران هستند».
23. تشبه مرد به زن و بالعکس، و همچنین تشبه به کافر: «پیامبر زنانی که خود را به صورت مردان درمی‌آورند و مردانی که خود را به صورت زنان درآورند لعن و نفرین کرده است». «هر کسی شبیه قومی شود از جمله آن‌هاست».
24. خال‌کوبی و پیوند مو: خداوند پیونددهنده، مو و کسی که خواستار آن است، و کسی که خال می‌کوبد، و کسی که خواستار خال‌کوبی است را لعن کرده است.
25. ازدواج بدون ولیّ: هر زنی بدون اجازه ولی و سرپرستش ازدواج کند ازدواجش باطل است، ازدواجش باطل است.
26. نسبت دادن فرزند به غیر پدرش: کسی که با علم و آگاهی ادعا کند که فرزند پدرش نیست بهشت بر وی حرام است.
27. رفتار نکردن به علم و دانش: مردی را در روز قیامت می‌آورند و در آتش افکنده می‌شود وروده‌هایش بیرون می‌آید، و در میان روده‌هایش مانند چرخیدن الاغ در آسیاب دور می‌زند، و جهنمیان بر او جمع می‌شوند و می‌گویند ای فلانی چرا این طور هستی؟ مگر تو نبودی که ما را امر به معروف و نهی از منکر می‌کردی؟ پاسخ می‌دهد من شما را امر به معروف می‌کردم و خود انجام نمی‌دادم، و شما را نهی از منکر می‌کردم و خود انجام می‌دادم.
28. كتمان و پنهان کردن علم: کسی که از او چیزی بپرسند و با وصف آگاهی جواب ندهد در روز قیامت لگام آتشین در دهانش می‌گذارند.
29. دروغ بر پیامبر **ص** «دروغ بستن بر من مانند دروغ بستن بر هیچ کسی نیست، هر کسی عمداً بر من دروغی ببندد جایگاه خویش در آتش را آماده کند.
30. دروغ گفتن:«حذر! حذر از دروغ گفتن، چون همراه فسق است و هر دو در جهنم است» مؤمن دروغ نمی‌گوید: «شب معراج دو مرد به نزدم آمدند و گفتند: آن شخصی که گوشه دهانش را چاک چاک می‌کند دروغگوی بود، کارش دروغگوئی بود و دروغی که می‌گفت به آفاق می‌رسید.
31. دروغ گفت به شوخى: وای بر کسی که دروغ می‌گوید تا مردم بخندند. وای بر وی! وای بر وى!
32. خود پاک نگه نداشتن از ادرار: از ادرار خود را پاک نگهدارید چون اولین چیزی است که انسان به آن در قبر محاسبه می‌شود.
33. سفر زن بدون همراهی محرم: برای هیچ زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست مسافت یک روز – جز با همراهی محرمی – سفر نماید.
34. نوحه‌سرایی: کسی که بر وی نوحه‌سرایی و زاری می‌کنند در روز قیامت به آن معذب می‌شود «خداوند زن نوحه ‌سرا و گوش‌دهنده به وی را نفرین کرده است».
35. فراخواندن به گمراهی: هر کسی مردم را به گمراهی فراخواند گناه آن‌ها بر دعوت‌گر است بدون اینکه چیزی از گناه آن‌ها کم شود.
36. سوگند به غیر خدا: «هر کس به غیر خدا سوگند یاد کند یا کافر یا مشرک می‌شود». «هر کس سوگند یاد می‌کند یا به خدا سوگند یاد کند و یا ساکت شود».
37. سوگند دروغ: هر کسی با سوگند دروغ مال کسی را تصرف نماید، پروردگار را ملاقات می‌کند در حالی که از او خشمگین است.
38. سوگند در معاملات: «از سوگند فراوان در معاملات پرهیز کنید چون معامله را رواج می‌‌دهد سپس نابود می‌کند». «سوگند کالا را رواج و برکت را نابود می‌کند».
39. دزدی: «هیچ دزدی دزدی نمی‌کند مگر اینکه به هنگام دزدی مؤمن نیست». «خداوند دزدی را که تخم‌مرغ می‌دزدد و دستش قطع می‌شود نفرین کرد».
40. غصب زمین: کسی ظالمانه یک وجب زمین کسی را غصب کند خدا روز قیامت هفت طبقه زمین را طوق گردنش می‌گرداند.
41. ساختن بنا بر قبر: پیامبر ص از گچ‌کاری قبر و نشستن بر روی آن و ساختن بنا بر آن نهی فرمود.
42. نیرنگ**:** هنگامی که خداوند تمام خلایق را در روز قیامت گردآوری می‌کند، برای هر خیانت‌کاری پرچمی برافراخته می‌شود، و می‌گویند این خیانت فلانی فرزند فلانی است.
43. نشستن بر قبر: اگر کسی بر اخگر(آتش پاره‌ای) بنشیند و لباسش سوخته شود، بهتر از نشستن بر قبری است.
44. عزاداری بر مرده: برای زنى که به خدا و روز آخرت ایمان دارد حلال نیست بیشتر از سه روز بر مرده – جز براى شوهر – سوگواری نماید.
45. تکدی کردن: سه چیز بر آن قسم می‌خورم، و سخنی برای شما می‌گویم آن را حفظ نمائید ... هیچ کسی باب تکدی را باز نمی‌کند مگر اینکه خداوند باب فقیری را بر وی باز می‌کند.
46. خیانت در معامله: پیامبر ص از فروختن شخص شهری برای صحرائی «بیابانی یا روستائی» و خیانت در معامله، و معامله بر معامله برادر دینی نهی فرمود.
47. زنانی که به زیارت قبرستان می‌روند**:** «خداوند زنانی را که به زیارت قبرستان می‌روند نفرین کرده است» ام عطیهل می‌گوید: ما زنان از رفتن به تشیع جنازه منع شده‌ایم، ولی بر ما به صورت جدی مصمم نبود.
48. اجتناب کردن زن: اگر مردی تقاضای همبستری از همسرش نماید و او ممانعت نماید تا صبح فرشتگان او را نفرین می‌کنند.
49. خیانت به زیردستان: هر کسی خدا او را بر گروهی برتری داده باشد و به هنگام مرگش معلوم شود به آن‌ها خیانت کرده است پروردگار بهشت را بر وی حرام می‌گرداند.
50. فتوی دادن بدون علم و آگاهی: کسی که برای وی فتوی بدون آگاهی داده باشند گناهش بر فتوادهنده است.
51. تقاضای طلاق: هر زنی بدون مشکل از همسرش خواستار طلاق باشد بوی بهشت بر وی حرام است.
52. سخنی کـه باعث خشم پروردگار شـود: کسی حرفی – از خشم پروردگار – می‌زند و به آن مبالات نمی‌دهد، در حالی که ممکن است بواسطه آن هفتاد سال در جهنم سقوط کند.
53. سخن به غیر ذکر خدا: به غیر یاد و ذکر خدا زیاد سخن نگوئید چون باعث سنگدلی می‌شود.
54. قهر با مسلمانی: «برای هیچ مسلمانی حلال نیست بیش از سه روز از برادر دینی‌اش قهر باشد». «هر کسی یک سال با برادرش قهر باشد مانند آن است که او را کشته باشد».
55. ناسزاگوئی: بدترین انسان در روز قیامت کسی است که مردم از ترس فحش و ناسزاگوئی او را ترک کرده‌اند.
56. کسی که هدیه‌ای می‌دهد و دوباره پشیمان می‌شود:«کسی که خواستار برگرداندن هدیه‌اش است مانند سگی است قی می‌کند سپس به آن دوباره برمی‌گردد». «برای هیچ مسلمانی حلال نیست هدیه‌ای به کسی بدهد سپس پشیمان شود و خواستار هدیه‌اش باشد».
57. اعلان گم شده در مسجد: هرکس شنید مردى گم شده‌‌اش را در مسجد اعلان مى‌کند بگوید: خدا گم شده‌‌ات را برنگرداند، چون مساجد براى چنین چیزها ساخته نشده است.
58. مرور از جلو نمازگذار: اگر مرور کننده‌‌ای از جلو نمازگذار می‌دانست چه کیفری دارد، همانا چهل سال می‌ایستاد بهتر بود برای وی تا از جلو او عبور نماید.
59. اذیت و آزار نماز‌خوان: هر کسی که پیاز و سیر و تره‌فرنگی بخورد نباید به مسجد ما نزدیک شود چون فرشتگان به آنچه که انسان را آزار می‌رساند اذیت می‌شوند.
60. نوشیدن‌های که منع شده‌اند**:** پیامبر ص از نوشیدن از دهانه مشک آب نهی کردند: «پیامبر ص از نوشیدن با حالت ایستاده جلوگیری کرد.
61. نوشیدن با دست چپ: هیچ یکی از شما با دست چپ چیزی نخورد و ننوشد چون شیطان با دست چپ می‌خورد و می‌نوشد.
62. قطع صله رحم: «کسی که قطع خویشاوندی می‌کند وارد بهشت نمی‌شود، هیچ گناهی مستحق‌تر به کیفر زودرس پروردگار در دنیا – با وصف ذخیره کیفر آخرت– از قطع خویشاوندی و خیانت و دروغ نیست». «زودرس‌ترین پاداش اعمال برای صله رحم است، تا جای که خانواده بدکار نیز با صله رحم دارائی و تعداد آن‌ها فزونی می‌یابد».
63. صلوات نفرستادن بر پیامبر ص: «بـه خاک مالیده شود – بی‌ارزش شود – بینى آن کسی که اسم من در نزدش برده شود و صلوات بر من نمی‌فرستد». «بخیل‌ کسی است نام من نزدش برده می‌‌شود و صلوات برمن نمی‌فرستد».
64. مهمل گفتن ومتکلفانه سخن گفتن: منفورترین شما نزد من و دورترین کس از من در روز قیامت: آدم‌های مهمل‌گو و یاوه‌گو و پرگو هستند.
65. نگهداری سگ: هرکس سگی را – بجز سگ شکاری یا سگ گله نگهداری کند، هر روز دو قیراط «دو پیمانه بزرگ» از پاداشش کاهش می‌یابد.
66. اذیت کردن حیوانات: زنی بواسطه گربه‌ای وارد جهنم شد، چون گربه را حبس کرد، و نه خوراکی به آن داد! و نه هم رهایش کرد تا از حشرات زمین چیزی بخورد تا از لاغری مرد. چیز جاندار را به بازى و اذیت نگیرید.
67. نقاشى و عکس کشیدن: «سخت‌ترین عذاب روز قیامت برای کسانی است که (جاندار) را نقاشی می‌کنند» فرشتگان وارد خانه‌ای نمی‌شوند که در آن سگ یا عکس است.
68. دشمنی کردن با دوستان خدا: خداوند می‌فرماید: هر کسی با یکی از دوستان من دشمنی کند با او اعلام جنگ می‌کنم.
69. قتل پناه‌آورنده: هر کسی پناهنده‌ای‌ را به قتل برساند وارد بهشت نمی‌شود، و شمیم و بوی بهشت، در مسیر یکصد سال را می‌یابد.
70. محروم کردن وارث از ارث: هرکس وارثش را از ارث محروم نماید، خداوند او را از بهشت محروم می‌نماید.
71. پنج چیز با پنج چیز واقع می‌شود: پنج چیز اگر به آن مبتلا شدید حال شما چگونه خواهد بود و - به خدا پناه می‌گیرم که شما را فرانگیرد – هیچگاه فحشاء در بین قومی بصورت علنی آشکار نشده است مگر اینکه خشکسالی و طاعونی که در – بین گذشتگان آن‌ها سابقه نداشته - در بین آن‌ها شیوع می‌یابد. و خیانت در ترازو و پیمانه انجام نداده‌‌اند مگر اینکه به خشکسالی و تنگدستی و ظلم حاکم گرفتار شده‌اند. و زکات اموال پرداخت نکرده‌اند مگر اینکه از بارش باران محروم شده‌اند. و اگر چارپایان نبود باران نمی‌بارید. و عهد و پیمان خدا و پیامبرش ص را نقض نکرده‌اند. مگر اینکه خداوند دشمنی از غیر آن‌ها بر آنان مسلط کرده است، و برخی از آنچه داشته‌اند را تصرف کرده است، و امرای هیچ قومی به کتاب خدا عمل نکرده‌اند مگر اینکه باعث بدبختی در بین آن‌ها بوده‌اند.

🟔🏵🟔🏵🟔

خاتمه

هنگامی که می‌خواهیم در دنیا و آخرت سالم باشیم باید از عاقبت گناهان بیمناک و برحذر باشیم، و این جز با ترک گناهان و دوری از آن، و طلب آمرزش دائمی ممکن نیست.

ابن جوزی/ می‌گوید: (باید هر انسان عاقل و فهیمی از عاقبت گناهان بیمناک باشد و حذر کند، چون در بین انسان و پروردگار فامیلی و نسب نیست، بلکه بر مبنای قسط و عدالت است، هرچند مهربانی او شامل همه گناهان می‌شود، و اگر بخواهد با گناه ناچیزی آدم را شرمسار می‌‌نماید، امان! امان!)[[99]](#footnote-99).

مطالبی که ملاحظه کردید چیزی بود دوست داشتم در این بحث کوتاه بخاطر اهمیت موضوع و گله و شکایت مردم از سنگدلی، و از بین رفتن برکات، و وسوسه‌های شیطانی به آن اشاره کنم و خصوصاً عامل اصلی آن شوم بودن گناه – پناه به خدا – می‌باشد، پس اگر خطا و اشتباهی در آن پیدا کردید از بنده حقیر است، واستغفرالله العظیم.

والحمدلله الذي بنعمته تتم الصالحات.

هیچ دعای سودمندتر از دعای غائب برای غائب نیست.

ای خواننده به خدا سوگندت می‌دهم:

که برای نویسنده طلب آمرزش بنمائید.

ریاض / اول محرم 1421 هجری

نویسنده: أبومحمد عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن السدحان

منابع و مآخذ

1. قرآن کریم.
2. تفسیر رازی، رازی.
3. مختصر صحیح بخاری، زبیدی.
4. مختصر صحیح مسلم، منذری با تحقیق البانی.
5. صحيح سنن أبی داود، البانی.
6. صحيح سنن ترمذی، البانی.
7. صحیح جامع الصغیر، البانی.
8. فتح‌ الباری، ابن‌حجر عسقلانی.
9. جامع الاصول، ابن کثیر.
10. النوافخ العطرة، صفدی.
11. تأویل مشکل الحدیث، ابن قتیبة.
12. صحيح سنن ابن ماجه، البانی.
13. تمییز مشکل الحدیث، عبدالرحمن اثری.
14. الحلیه، ابونعیم.
15. تذکرة السامع والمتکلم، کنانی.
16. تهذیب مدارج السالکین، عبدالمنعم العزی.
17. احیاء علوم الدین، غزالی.
18. فتاوی شیخ الاسلام ابن تيمية، ابن تیمیة.
19. الزهد، ابن تیمیة.
20. الفوائد، ابن قيم.
21. أداب الدنیا والدین، ماوردى.
22. الجواب الکافی، ابن قيم.
23. الأذکار، نووي.
24. صید الخاطر، ابن جوزي.
25. طریق الهجرتین و باب السعادتین، ابن قیم.
26. الایمان الاوسط، ابن تیمیة.
27. ذم الهوی، ابن جوزی.
28. مفتاح دارالسعادة، ابن قیم.
29. التوبة، محاسبی.
30. تلبیس ابلیس، ابن جوزی.
31. الآداب الشرعیة، مقدسی.
32. تسلیة اهل المصائب، ابن رجب.
33. الحسن البصری، ابن جوزی.
34. نثر الدرر، ابوسعید الآبی.
35. الأمراض الخبیثة عقوبة إلهیة، د- عبدالحمید قضاةه.
36. الطب محراب الإیمان، د- خالص جلبی.
37. مجموع أخبار آخر الزمان، مشعلی.
38. ابن تیمیة بطل لاصلاح الدینی، محمد مهدی استانبولی.
39. التدریبات العملیة في علم الموجة الذاتية، یحیی حمزه شولک.
40. معانی القرآن الکریم، ابوجعفر نحاس.
41. معانی القرآن، زجاج.

1. - کتاب ادب دنىا و دین، «260»، تألىف ماوردى. [↑](#footnote-ref-1)
2. - ابلىس در واقع اصلاً توبه نکرد. وگرنه خداوند تواب و رحىم است، چون مى‌فرماید:

   ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٞ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا ثُمَّ ٱهۡتَدَىٰ٨٢﴾ [طه: 82]. «و من هركه را توبه كند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، مى‏آمرزم!». [↑](#footnote-ref-2)
3. - کتاب الفوائد، «250»، تألىف ابن قىم. [↑](#footnote-ref-3)
4. - مختصر صحىح مسلم، «حدیث 864، ص: 219»، تألىف منذرى. [↑](#footnote-ref-4)
5. - صحىح ترمذى، «3/53»، ناصرالدین البانى. [↑](#footnote-ref-5)
6. - کتاب ادب دین و دنىا، «260»، تألىف ماوردى. [↑](#footnote-ref-6)
7. - کتاب صحىح بخارى، «12/198»، شماره حدیث «6867». [↑](#footnote-ref-7)
8. - کتاب الفوائد، تألىف ابن قىم جوزى، «ص: 138-139». [↑](#footnote-ref-8)
9. - کتاب الزهد، «ص 103»، تألىف امام احمد، امام ابن تىمىه در تفسىر این آیه ﴿ٱذۡكُرۡنِي عِندَ رَبِّكَ﴾ مى‌گوید: معناى سخن یوسف توکل نداشتن او بخدا نبوده است، چون یوسف گفته است: ﴿إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾، و گفته یوسف: ﴿ٱذۡكُرۡنِي عِندَ رَبِّكَ﴾ [يوسف: 42]. «مرا نزد صاحبت (سلطان مصر) یادآورى كن!». مانند قولش: ﴿ٱجۡعَلۡنِي عَلَىٰ خَزَآئِنِ ٱلۡأَرۡضِۖ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٞ٥٥﴾ [يوسف: 55]. «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، كه نگهدارنده و آگاهم!» است، پس هنگامى که تقاضاى ریاست مى‌کند بخاطر مصلحت دینى، این خواست ریاستى نىست که از آن نهى شده، و آن گفته منافى توکل نىست، و منظور یوسف از این گفته: ﴿ٱذۡكُرۡنِي عِندَ رَبِّكَ﴾. تنها خبر دادن به پادشاه بوده است تا آگاه شود و حق آشکار گردد، و یوسف از اولىن توکل‌کنندگان بوده است»، فتاوى ابن تىمىه، 15/113-114». [↑](#footnote-ref-9)
10. - به جنایاتى که یهودیان امروزه در جهان انجام مى‌دهند بنگرید، هر جنایتى در جهان رخ دهد یهودیان به خاطر رسىدن به اهداف شوم خویش در آن دست دارند. [↑](#footnote-ref-10)
11. - چون غذایى بهشتى بود. [↑](#footnote-ref-11)
12. - و احتىاج به یخچال و سردخانه براى نگهدارى غذا نداشتىم، و آن زمان تاریخ نمو مىکروب در فضا محسوب مى‌شود. [↑](#footnote-ref-12)
13. - مختصر صحىح مسلم، «شماره حدیث 864»، تألىف منذرى با تحقىق البانى، «ص: 219». [↑](#footnote-ref-13)
14. - ىعنى لعنت پروردگار، چنانچه قرآن مى‌فرماید: ﴿وَأَتۡبَعۡنَٰهُمۡ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا لَعۡنَةٗۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ﴾ [القصص: 42]. «و در این دنیا نیز لعنتى بدنبال آنان قرار دادیم; و روز قیامت». پس آنطور نىست که باستان‌ شناسان مى‌گویند: فرعون اموال و گنجىنه‌اش را طلسم کرده است و هر کس بدنبال آن باشد مورد لعن فرعون قرار مى‌گىرد، بلکه آنچه از نوشته‌هاى هىروغلىف و پس وى بدست آمده است علت عدم دسترسى به گنجینه‌ها لعنت خداست. این مصداق حدیث رسول الله ص است كه مى‌فرماید: «لا تدخلوا على هؤلاء المعذبین إلاَّ أن تكونوا باكین، فإن لم تكونوا باكین فلا تدخلوا علیهم أن یصیبكم مثل ما أصابهم». رواه أحمد. بر اینان كه مورد عذاب شده‌اند وارد نشوید مگر اینكه گریه‌كنان باشید، و اگر چنین نباشید بر آن‌ها وارد نشوید كه ممكن است شما هم مورد عذاب واقع شویـد. و فرمان رسـول الله ص در باره با سرعت رفتن در وادى محسر كه در بین مزدلفه و صحراى منى واقع است، چون در آنجا خداوند اصحاب فیل را هلاك كرد. [↑](#footnote-ref-14)
15. - و این کار امروزه از جهت علمى به (امواج ذاتى) ىا نىروى کشفى معروف است و به سبب آن بر وجود آب و معدن و آثار باستانى از طریق نىروى جاذبه زمىن و اشکال هندسى – که تا بحال علمى مجهول است، پى برده مى‌شود. و امروزه جز آثار آن، و آن هم در دایره تنگى یافت نمى‌شود. و آن هم جز بخاطر شومى گناه و معصىت نىست. و به همىن خاطر معجزه هر پىامبرى با آن چه که قومش در آن توانایى داشته‌اند همانند بوده است. مثلاً قوم موسى÷ در نیرو وعصاى کشفى و سحر چىره‌دست بوده‌اند. ﴿حِبَالَهُمۡ وَعِصِيَّهُمۡ﴾ [الشعراء: 44]. «آن‌ها طناب‌ها و عصاهاى خود را افكندند». پس عصاى موسى = =با معجزه به اژدهایى حقىقى تبدىل شد. و معجزه چشمه‌هاى روان خشک شدن درىا. و همچنىن قوم عىسى÷ در علم طبابت چىره‌دست بودند به همىن خاطر معجزه عىسى÷ زنده كردن مردگان – با اذن خدا – و شفاى کوران و بىماران بوده است. و قوم صالح÷ در تراشىدن کوه‌ها چىره‌دست بودند و بر آن مجسمه‌ها مى‌تراشىدند پس معجزه صالح بىرون آمدن آن شتر از دل کوه بوده است. و قوم پىامبر محمد ص در شعر و بلاغت مهارت داشتند پس معجزه آن حضرت ص قرآن است که تا روز قىامت با بلاغت عظىم و علوم فراوان آن ماندگار خواهد بود. که خود دلىلى بر ماندگار بودن علم و قرآن تا روز آخرت است. [↑](#footnote-ref-15)
16. - صحىح جامع، تألىف البانى، «شماره حدیث 2960». [↑](#footnote-ref-16)
17. - کتاب السنة، تألىف ابوعاصم با تحقىق البانى، «ص: 427، 426». [↑](#footnote-ref-17)
18. - بنظرم «خدا مى‌داند» علت زیاده‌روى حجاج در کشتار مردم خو گرفتن به این سخن بوده است. [↑](#footnote-ref-18)
19. - به این کلمه بنگر: یک کلمه بود ولى چطور نسل در نسل انتقال یافت و شوم بودن گناه همگى را فراگرفت، پىامبر ص راست فرموده: انسان سخن زشتى را مى‌زند و آن را ساده مى‌گىرد چه بسا آن سخن باعث مى‌شود هفتاد سال در جهنم سقوط کند. [↑](#footnote-ref-19)
20. - مختصر صحىح مسلم، تألىف منذرى، با تحقىق البانى، «شماره حدیث 637، ص: 170». [↑](#footnote-ref-20)
21. - مختصر صحىح مسلم، تألىف منذرى، «ص: 480-481، شماره حدیث 1820». [↑](#footnote-ref-21)
22. - تأویل مشکل الحدیث، تألىف ابن قتىبه، «ص: 233». [↑](#footnote-ref-22)
23. - جواب الکافى، تألىف ابن قىم، «ص: 16». [↑](#footnote-ref-23)
24. - تأویل مشکل الحدیث، تألىف ابن قتىبه، «ص: 233». [↑](#footnote-ref-24)
25. - جواب الکافى، تألىف ابن قىم، «ص: 16» (مراد از بى‌گناه: حىوانات و حشرات است). [↑](#footnote-ref-25)
26. - تأویل مشکل الحدیث، تألىف ابن قتىبه، «ص: 236». [↑](#footnote-ref-26)
27. - عمر این سخن را بخاطر این گفت: چون به نظر وى امر براى وجوب نبود بلکه از باب ارشاد به اصلح بود و بخاطر این بود که پىامبرص اذیت نشود و فرموده قرآن: ﴿مَّا فَرَّطۡنَا فِي ٱلۡكِتَٰبِ مِن شَيۡءٖۚ ٣٨﴾ [الأنعام: 38]. «ما هیچ چیز را در این كتاب، فرو گذار نكردیم». را در ذهن داشت. و هركس گمان كند كه عمر مانع نوشته رسول اللهص شده است، خداوند را به ناتوانى، و پیامبر را به تقصیر و كوتاهى در تبلیغ متهم و توصیف كرده است، بلكه چنانكه اهل علم گفته‌اند دین خداوند كامل است و این امر فقط براى تأكید و راهنمایى و ارشاد بوده است. [↑](#footnote-ref-27)
28. - صحىح بخارى، «114، 4432، 5669، 7366»، صحىح مسلم، «1637، (22)». [↑](#footnote-ref-28)
29. - کتاب الطب، تألىف امام نسائى، «ص: 44» با تحقیق سامى تونى. [↑](#footnote-ref-29)
30. - النوافخ العطرة، تألىف صفدى، «ص: 86». [↑](#footnote-ref-30)
31. - کتاب الزهد، تألىف امام احمد، «ص: 72». [↑](#footnote-ref-31)
32. - مختصر صحىح مسلم، «ص: 470، شماره حدیث 1762»، تألىف منذرى، با تحقىق البانى. [↑](#footnote-ref-32)
33. - فرموده پروردگار: ﴿وَكَانَ أَبُوهُمَا صَٰلِحٗا﴾ [الكهف: 82]، بر آن دلالت مى‌کند. [↑](#footnote-ref-33)
34. - مختصر صحىح مسلم، تألىف منذرى، «ص: 471» حدیث (1764). [↑](#footnote-ref-34)
35. - صىد الخاطر، تألىف ابن جوزى، «ص: 391». [↑](#footnote-ref-35)
36. - سنن ابن ماجه، «شماره 4019»، کتاب الحلىة، تألىف ابونعىم، «ص: 8/333» الأحادیث الصحیحة البانى شماره 106. [↑](#footnote-ref-36)
37. - کتاب امراض الجنسىة عقوبة الهىة، تألىف دکتر عبدالحمىد القضاة، ص«13». [↑](#footnote-ref-37)
38. - و از بىمارى‌هاى نابود‌کننده: (سرطان، سکته، خراب شدن کلىه، و .... مى‌باشد، در واقع اگر رحمت پروردگار شامل مبتلا به سرطان نشود حکم به اعدام است، و عوامل آن: اشعه و آثار مخرب کارخانه‌ها و سوء تغذیه و عادات ناپسند و انحرافات و از همه مهم‌تر شومى گناه است، خداوند مى‌فرماید: ﴿وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَفَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَرَكَٰتٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذۡنَٰهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ٩٦﴾ [الأعراف: 96]. «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان مى‏آوردند و تقوا پیشه مى‏كردند، بركات آسمان و زمین را بر آن‌ها مى‏گشودیم; ولى (آن‌ها حق را) تكذیب كردند; ما هم آنان را به كیفر اعمال‌شان مجازات كردیم». کتاب الطب محراب الإیمان، تألىف دکتر خالص حلبى، «ص: 124». [↑](#footnote-ref-38)
39. - ترمذى و طبرانى، کتاب تمىىز الطىب من الخبیث، عبدالرحمن اثرى، «ص: 171»، الأذکار، تألىف امام نووى، «ص: 542». [↑](#footnote-ref-39)
40. - کتاب الزهد، تألىف امام احمد، «ص: 342». [↑](#footnote-ref-40)
41. - کتاب صىد الخاطر، تأْلىف ابن جوزى، «ص: 391». [↑](#footnote-ref-41)
42. - الفوائد، «ص 257»، تألىف ابن قىم، سىر أعلام البناء، «1/496». [↑](#footnote-ref-42)
43. - أحمد، الطبرانی، الحاكم. ونگا: مجموع أخبار آخر زمان، «ص: 129»، تألىف مشعلى. [↑](#footnote-ref-43)
44. - سنن أبى داود، با تحقىق البانى، «شماره حدیث 4905». [↑](#footnote-ref-44)
45. - روایت مسلم وأبوداود. صحیح سنن أبى داود، با تحقىق البانى، «شماره حدیث 4907». [↑](#footnote-ref-45)
46. - مختصر صحیح سنن أبى داود، با تحقىق البانى 3/927، «شماره حدیث 4101». [↑](#footnote-ref-46)
47. - مختصر صحىح بخارى، زبىدى، «ص: 466، شماره حدیث 3007». [↑](#footnote-ref-47)
48. - مختصر صحىح بخارى، «ص: 469، شماره حدیث 2030»، در حدیث آمده «لا یرمى رجل رجلاً بالفسوق، و لایرمىه بالکفر إلاَّ ارتدت علىه ان لم یکن صاحبه کذلک». «هركس, فرد دیگرى را متهم به فسق یا كفر كند و او اینگونه نباشد فسق و كفر، به خودش بر مى‌گردد». [↑](#footnote-ref-48)
49. - الفوائد، ابن قىم «ص: 106». [↑](#footnote-ref-49)
50. - الزهد، امام احمد، «ص: 69». [↑](#footnote-ref-50)
51. - جواب الکافى، ابن قىم، «ص: 54 تا 107». [↑](#footnote-ref-51)
52. - الفوائد، تألىف ابن قىم، «ص: 152، 151». [↑](#footnote-ref-52)
53. - الفوائد، ابن قیم ص 151-152. [↑](#footnote-ref-53)
54. - الفوائد، تألىف ابن قىم، «ص: 152». [↑](#footnote-ref-54)
55. - الزهد، تألىف امام احمد، «2/242». [↑](#footnote-ref-55)
56. - تهذیب مدارج السالکىن، «ص: 123». [↑](#footnote-ref-56)
57. - صحىح جامع صغىر، «4391». روایت أحمد در مسند، وترمذى. [↑](#footnote-ref-57)
58. - إحىاء علوم‌الدىن، تألىف امام غزالى، «4/155». [↑](#footnote-ref-58)
59. - ذم‌الهوى، تألىف ابن جوزى، «ص: 103». [↑](#footnote-ref-59)
60. - ذم‌الهوى، تألىف ابن جوزى، «ص: 174». [↑](#footnote-ref-60)
61. - صحىح الجامع الصغىر، «5/200». [↑](#footnote-ref-61)
62. - صحىح مسلم، «2702». [↑](#footnote-ref-62)
63. - صحىح مسلم، «2747». [↑](#footnote-ref-63)
64. - تهذیب مدارج السالکىن، تألىف ابن قىم، با تلخىص عبدالمنعم العزى، «ص: 157». [↑](#footnote-ref-64)
65. - تهذیب مدارج السالکىن، تألىف ابن قىم، با تلخىص عبدالمنعم العزى، «ص: 157». [↑](#footnote-ref-65)
66. - ذم‌الهوى، تألىف ابن جوزى، «ص: 174». [↑](#footnote-ref-66)
67. - صحىح جامع الصغىر، «1/575». [↑](#footnote-ref-67)
68. - الزهد، تألىف امام احمد، «ص: 30». [↑](#footnote-ref-68)
69. - التوبه، تألىف محاسبى، «ص: 52». [↑](#footnote-ref-69)
70. - النوافخ العطره، تألىف صفدى، «ص: 86». [↑](#footnote-ref-70)
71. - تذكرة السامع والمتكلم، تألىف كتانی، «ص: 68». [↑](#footnote-ref-71)
72. - صىد الخاطر، تألىف ابن جوزى، «ص: 51». [↑](#footnote-ref-72)
73. - آداب الشرعىه، تألىف مقدسى، «ص: 1/97». [↑](#footnote-ref-73)
74. - احىاء علوم‌الدىن، غزالى، «ص: 4/195». [↑](#footnote-ref-74)
75. - صحىح بخارى، «ص: 6465». [↑](#footnote-ref-75)
76. - تهذیب‌ مدارج السالکىن، تألىف ابن قىم، با تخلىص العزى، «ص: 123». [↑](#footnote-ref-76)
77. - التوبه، تألىف محاسبى، «ص: 55». [↑](#footnote-ref-77)
78. - ادب دنىا و دین، تألىف ماوردى، «ص: 105». [↑](#footnote-ref-78)
79. - مختصر صحىح مسلم، امام نووى، «شماره حدیث 119، ص: 41». [↑](#footnote-ref-79)
80. - مختصر صحىح مسلم، امام نووى، «شماره حدیث 1922، ص: 511». [↑](#footnote-ref-80)
81. - جامع الأصول، «10/476»، «شماره حدیث 8012». [↑](#footnote-ref-81)
82. - مختصر صحىح مسلم، «شماره حدیث، ص 477». [↑](#footnote-ref-82)
83. - تسلىة أهل المصائب، «ص: 250». [↑](#footnote-ref-83)
84. - الایمان الاوسط، تألىف ابن تىمىه، «ص: 29-43». [↑](#footnote-ref-84)
85. - طریق الهجرتىن و باب السعادتىن، تألىف ابن قىم، «ص: 176، 175». [↑](#footnote-ref-85)
86. - تفسىر رازى، «1/244». [↑](#footnote-ref-86)
87. - به روایت ابن ماجه‌، «ج 2، شماره حدیث 1418». [↑](#footnote-ref-87)
88. - جواب الکافى، تألىف ابن قىم، «ص: 47». [↑](#footnote-ref-88)
89. - صىد الخاطر، تألىف ابن جوزى، «ص: 391، 392». [↑](#footnote-ref-89)
90. - تلبىس ابلىس، تألىف ابن جوزى، «ص: 391، 392». [↑](#footnote-ref-90)
91. - مختصر صحىح مسلم، «شماره حدیث 1935، ص: 514». [↑](#footnote-ref-91)
92. - صىد الخاطر، تألىف ابن جوزى، «ص: 330، 331». [↑](#footnote-ref-92)
93. - این نظر ابن جوزى درباره عىسى÷ درست نىست، چون در صحاح گناهى از عىسى ذکر نکرده است. [↑](#footnote-ref-93)
94. - صىد الخاطر، تألىف ابن جوزى، «ص: 331». [↑](#footnote-ref-94)
95. - الزهد، امام احمد، «ص 437». [↑](#footnote-ref-95)
96. - الزهد، امام احمد، «ص: 474». [↑](#footnote-ref-96)
97. - الزهد، امام احمد، «ص: 464». [↑](#footnote-ref-97)
98. - النوافخ العطره، صفدى، «ص: 86». [↑](#footnote-ref-98)
99. - صىد الخاطر، ابن جوزى، «ص: 132». [↑](#footnote-ref-99)